

GARDESHGAR

Travel journal | Vol: 2 | Issue: 2 | the third week of February

A Taste of a Place Is Better
than No Taste at all!
From Prince Garden
to the Stone Garden!
Delicious Tourism Attraction;
Golden Dessert with a Taste of Saffron
Kish; The Perfect
Place for a Peaceful
Vacation
Iran, One Thousand Year Ago
Istahan, in Jane Dieulafoy's
travel diary

گردشگر

ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا / سال دوم / دوره جدید / شماره دوم / نیمه دوم بهمن ۹۳

بزرگ ترین گردهمایی راهنمایان
گردشگری ایران در مشهد

سیاحت در زیارت از زاینده رود تا جلفا

غذاگردی طلایی، زعفرانی در اصفهان و شیراز

برگردان اختصاصی گردشگر از سفرنامه مادام دیولافوی

آرامش کیش چهلستون در چال نخجیر



GARDESHGAR

travel to the world with us:)



با ما دیدنی‌ها را سفر کنید!

سرویس ارتباطات و تبلیغات **گاردشگر**



مسجد رکن الملک، اصفهان

صاحب امتیاز شهرداری اصفهان

مدیرمسئول دکتر سیدمرتضی سقائیان نژاد

سر دبیر رضوان اصغری

دبیر ویژه نامه نفیسه حاجاتی

مدیریت ارتباطات و تبلیغات اکبر منتشلو

طراحی و اجرای گرافیک محمدحسن لطیفی

گردشگر

با گردشگر مقصد سفرهایتان را انتخاب کنید

تحریریه شماره دوم مهدی تمیزی، بری زنگنه، مهدی گلی، معین مطلق،
وحید شریفی، محسن رجب پور، حمید صادقی، حمیدرضا نیکومرام
ویراستاران سمیه حقیقی، مریم مشیر پناهی، رضوان وطن خواه

تلفن تماس ۰۳۱۳۲۲۹۵۱۲ فکس ۰۳۱۳۲۲۱۹۰۷۰ شماره پیامک ۰۳۰۰۴۸۳۰۸۸
نشانی اصفهان، میدان امام حسین (علیه السلام)، خیابان طالقانی، مقابل ارگ جهان نما

عکس روی جلد خراسان رضوی، مشهد، مقبره نادر شاه افشار / عکاس مهدی تمیزی

سفرها و روایت‌ها

مزه سفر؛ کمی مزه بهتر از بی مزه!



استکهلم، سوئد

لبخند نزد. نگاه کردم به دختر و بعد چشم گرداندم بینم میز خالی دیگری هست؟ دختر، سینی را روی میز نگذاشت. یک قدم رفت عقب. همان‌طور آرام با لبخند محو، گفت: «sorry, I find another place» زیاد طول نکشید که مهربانی دختر را آنالیز کنم و از این که سخاوتمندانه تصمیم گرفته جای دیگری پیدا کند و تازه از من عذرخواهی هم کرده، خوشم بیاید. لبخند زدم و گفتم اگر از نظر او هم ایرادی ندارد، می‌توانیم هر دو اینجا پشت این میز که به اندازه کافی بزرگ هم هست، بنشینیم. «تاووشا» ویتنامی بود. حساسی بگو و بخند و به معنای واقعی کلمه، عشق سفر را راستش را بخواهید، پنج دقیقه هم طول نکشید که حواسم از گرسنگی و تکه مرغ بی‌مزه و سیب‌زمینی یخ کرده پرت شود و سرخوش و لبخند به لب گرم صحبت با دختر ویتنامی شوم. یک سال از من کوچک تر بود و ساکن نیویورک. دختری که توانسته بود با نصف پولی که من در سفر اخیرم برای دو وعده غذای روزانه و کیک و قهوه عصرانه در کافه‌های شهر خرج کرده بودم، به سه کشور سفر کند. برایم تعریف کرد که وقتی دانشجوی تمام وقت مقطع کارشناسی روزنامه‌نگاری چندرسانه‌ای در لندن بوده، دلش می‌خواست سفر کند اما پولی نداشته و همین‌جا اولین جرعه زده شده؛ این که تصمیم می‌گیرد به جای اینکه به خاطر بی‌پولی سفر نرود، هوشمندانه خرج کند. در اولین تعطیلات طولانی، او چند روز به بروکسل در بلژیک و بعد با قطار

۲۵ دلار کمترین قیمت غذاهایش بود. پشت ویرترین ایستاده بودم و فکر می‌کردم که دلم نمی‌آید این همه پول برای یک تکه مرغ و یک کف دست سیب زمینی سرخ کرده بدهم آن هم در فرودگاه یک کشور عربی! نگاه کردم به آدم‌ها که خیلی آرام و راحت نشسته بودند روی نیمکت‌های رستوران، مشغول غذا خوردن. انگار خیلی طبیعی است که غذاهای تنها غذاخوری یک فرودگاه عربی این همه گران باشد. مسافرها البته بیشتر عرب و البته اروپایی بودند و خوب فکر کردم به پول آنها، خیلی هم نباید عجیب باشد. چاره‌ای نبود. از قبل هیچ پیش‌بینی برای زمان طولانی بین دو پرواز نکرده بودم و یک غذای نیمه گرم می‌توانست بهترین درمان بی‌حالی و کسالت ناشی از صبح زود بیدار شدن و صبحانه نخوردن و هوای سرد فرودگاه باشد. هر چند که به اندازه یک سفر کوتاه داخلی، برایم خرج برمی‌داشت. با اکراه ۲۵ دلار را به فروشنده دادم و با یک جور بی‌میلی در عین اشتیاق ناشی از گرسنگی، سینی مرغ و سیب‌زمینی و کواکولا را برداشتم و رفتم طرف نزدیک‌ترین میزی که خالی مانده بود. داشتم آرام راه می‌رفتم و تکه مرغ را با تردید برانداز می‌کردم که سینی سبز نزدیک شد. سینی قرمز من دو قدم با میز خالی فاصله داشت و سینی سبز نزدیک به یک قدم. نگاهم از سینی سبز و کفش کانورس قرمز رسید روی صورت دختر که لبخند زده بود. همانجا دو قدم مانده به میز، ایستادم. داشتم ارزیابی می‌کردم که الان، من بی‌رمقی خسته چه کنم با این رستوران شلوغ و دختر که پیروزمندانه لبخند می‌زند و به زودی میز مورد نظرم را فتح خواهد کرد؟!



نیویورک



سنگاپور



تایلند

افتاده‌ای را جلوی‌پیش گذاشته باشند، آرام قورت داد و گفت: «می‌دونم، برای من مزه‌مزه کردن خیلی مهم تره. ترجیح می‌دم به کم از مزه به شهرو بچشم تا این که اصلاً مزه‌اش زیر دندونم نره. من به همون مزه‌های کم قانعم!» کوله پشتی قرمز بزرگش را روی صندلی جابه‌جا کرد و با صدای آرام‌تر انگار که بخواهد راز مهمی را برایم بگوید، ادامه داد: «بین من ۳۰ ساعت استکهلم بودم. خب البته این خیلی بهتر از ۲۴ ساعته! اصلاً قصد نداشتم که وانمود کنم متخصص گردش در استکهلم هستم فقط هدفم این بود که جاهایی رو که از قبل برای دیدنشون نقشه کشیده بودم و درباره‌شون اطلاع داشتم، ببینم. می‌دونستم که نمی‌تونم همه کارهایی که می‌خوام رو انجام بدم ولی به هر حال می‌تونستم از بودن در اون شهر به همون اندازه لذت ببرم. برای من دیدن کمی از استکهلم ارزشمندتر از این بود که اصلاً نبینمش. برای همینه که عاشق راهنماهای ۳۶ ساعته نیویورک تایمز و برنامه‌های آنتونی بوردن هستم. فرمت این برنامه‌ها خیلی به این واقعیت نزدیکه که همه آدم‌ها نمی‌تونن وقت زیادی برای دیدن همه جا بگذارن. پس چه بهتر که بر مبنای همون چیزی که داریم رفتار کنیم». سینی قرمز و سینی سبزه خالی شده بودند، من از ایران و تاووشا از ویتنام، سرخوش از یک غذای یخ همراه با یک بحث داغ ترجیح دادیم صحبت‌مان را بیرون از رستوران ادامه بدهیم. جایی که بتوانیم دو، سه ساعت وقت باقی مانده تا پرواز را با بحث در مورد مزه سفر و تجربیاتمان سر کنیم.

به کلن آلمان می‌رود تا از حراجی‌های کریسمس استفاده کند. بعد به بلژیک برمی‌گردد و یک روز بعد هم باز به سر درس و کلاسش در لندن. در سفر بعدی، تاووشا تصمیم می‌گیرد با گروهی از دوستانش به موراگو بروند، جایی که او از گروه جدا می‌شود تا به آندلس پرواز کند و در اسپانیا با خانواده هم‌کلاسی‌اش تعطیلات را بگذراند. نکته‌ای که او از آن زمان کشف می‌کند، همین است؛ اینکه سفر به چند مقصد خیلی ارزان‌تر از این است که جداگانه به این مقاصد سفر کنی. بطری آب معدنی‌اش را برداشت، لاجرعه سرکشید و گفت: «این کشفم درست عین به لامپ بود که اینجا توی مغزم روشن شد و پام رفت روی گاز! با ۲۰۰ تا سرعت توی جاده‌های سفر حرکت کردم. از لندن به هند و پاریس و نیویورک رفتم. ساکن نیویورک شدم و از اون جا سفرهای دایره‌وار مو از نیویورک و مجدداً به آن شهر شروع کردم؛ مثلاً از نیویورک به میامی و سنت توماس رفتم و برگشتم. بعد ژوهانسبورگ و لندن و استکهلم رو دیدم. یکبار هم لس‌آنجلس و سنگاپور و تایلند رو توی برنامه‌ام گنجوندم. حالا اینجام و توی ماه مارچ هم قراره برم ترینیداد و مکزیک و میامی». آخرین تکه سیب‌زمینی را در سس تند غلتاندم. گفتم: «تو خیلی سریع مسافرت می‌کنی و خیلی کم توی هر شهر می‌مونی. من این طوری دوست ندارم. دلم می‌خواد توی هر شهری به اندازه‌ای که فکر می‌کنم لازمه بمونم. مهم نیست که هزار و سیصد تا شهرو ندیده باشم. مهم اینه که همون ۳۰ تا رو خوب دیده باشم». آخرین لقمه همبرگر را همان‌طور با لذت انگار که پلو قورمه‌سبزی جا



دانشک ۳

ترینیداد و توباگو



هندوستان



متن و عکس مهدی تمیزی
عکاس و پژوهشگر هنر

سفر زمستانه به روستای زیارت، گرگان

سیاحت در زیارت

چند روز آرامش در دل جنگل های گرگان

جنگلی و زیبای «نهارخوران» در شهر گرگان رد شد و به بالاترین بخش آن رسید. بعد وارد تنها جاده باریک پس از آن شد. از لابلای جنگلی درهم تنیده، دوش به دوش رودخانه گذر کرد. هفت کیلومتر را پشت سر گذاشت و به «زیارت» رسید. زیارت شما قبول!

بهار کم مانندی دارد. اما به این معنی نیست که تابستان و پاییز و زمستانش تعریفی ندارد. «زیارت» هر چهار فصلش حال و هوای خاص خود را دارد. از ویژگی های زیارت رفتن، یکی گرگان رفتن و گرگان دیدن است. برای زیارت رفتن باید ابتدا از بلوار



زیارت در زیارت

روستای زیارت در جنوبی ترین بخش شهر گرگان و در میان کوه هایی پوشیده از درخت، جای دارد. جاده ای خاطره انگیز و صدها رستوران و جگرکی و نان پزی و کافه و چایخانه در درازای مسیر نهارخوران تا زیارت، از ویژگی های تا به «زیارت» رسیدن است. آب و هوایی لطیف، روستایی با بافت تاریخی و بسیار دیدنی در شیب کوه، بنای امامزاده عبدالله، آبشار، آبگرم، مسیرهایی خوب برای پیاده روی، هتل و نیز دسترسی آسانش به شهر گرگان، از ویژگی های خوب روستای زیارت است.

ویژه

عنوان «سفرهایی برای آرامش» لقبی نیست که هر مقصد گردشگری توانایی میزبانی را داشته باشد. گاهی به قصد آرامش مقصدی را انتخاب می کنیم، اما وقتی می رسیم، می بینیم توریستی تر، شلوغ تر و کم امکانات تر از آن است که بتواند آرام و شادمان کند. اجازه بدهید امروز از جایی صحبت کنیم که در قابلیتش برای فراهم کردن بستر مناسب میزبانی هیچ شک نیست. از میان جنگل بگذرید و به هتلی برسید که گرچه تضاد معماری آن با بافت قدیمی روستا حساسی برایتان سوال ایجاد می کند، اما فقط کافی است چند روز در یکی از اتاق های زندگی کنید و صبح ها چشمتان به منظره دامنه مه گرفته کوه باز شود... روی جلد نخستین شماره «گردشگر» نمایی زیبا و برفی از روستای زیارت را دیدید. همان طور که قول داده بودیم، شماره دوم گردشگر با گزارشی از این روستای دوست داشتنی منتشر شده است.





اقامت در زیارت

برای اقامت در زیارت، می‌توان به هتل زیارت رفت. من که بدون ششک ترجیح می‌دهم اتاق‌های رو به کوه (قله زبله) را رزرو کنم؛ هم صبح دل انگیزی دارند و هم در طول روز چشم نوازند. ۱۷۰ پیش شماره زیارت است و ۳۲۳۰۶۰۰۶ شماره هتل.

سیاحت در زیارت

هرآنچه را که در سفر لازم است با خود ببرید مخصوصاً کفش مناسب برای پیاده روی یادتان نرود. در ضمن، در جاده باریک و باصفای گرگان تا زیارت، آرام رانندگی کنید. اول برای ایمنی خودتان و دیگران (به ویژه مراقب مردمی که در حواشی جاده در حال لذت بردن از طبیعت هستند، باشید). دوم برای اینکه تماشای طبیعت را از دست ندهید. همچنین اگر زمستان است، بیشتر مراقب باشید و زنجیر چرخ را فراموش نکنید. راستی! زیارت روستایی آرام است و طبیعتی پاک دارد؛ پس هم مراقب آرامش زیارت باشید و هم مراقب طبیعتش لطفاً.



گرگان با وجه تاریخی عمیق و البته طبیعت زیبا و متنوعی که دارد، همیشه یکی از مناطق مهم گردشگری ایران بوده و است. هرچه به شرق استان نزدیک شوید، آب و هوا گرم و خشک‌تر می‌شود و حتی می‌توانید در مسیر، شتر هم ببینید و هرچه به مناطق غربی استان نزدیک شوید، آب و هوای خنک‌تر و به اصطلاح خودمان، شمالی‌تری را می‌بینید. روستای زیارت در منتهای شرقی استان گلستان، نزدیک به شهر گرگان واقع شده است. اگر عشق دریا هستید و نمی‌شود تا شمال بروید، اما دریا را نبینید، می‌توانید سفرتان را طوری برنامه‌ریزی کنید که یکی دو روزی را در روستای زیارت بمانید و بعد به بندر ترکمن بروید و دلی از عزا درآورد!



برگردان سفرنامه مادام دیولافوی از فرانسه به فارسی - بخش دوم

از زاینده رود تا جلفا

سفر به اصفهان عهد ناصری با باستان‌شناس فرانسوی

پیش‌تر، از نوشته‌های مادام دیولافوی خواندیم و تا اینجا رسیدیم که او پس از توصیف چهارباغ و درختان ۳۰۰ساله اش، زمانی که به مدرسه مادرشاه می‌رسد، زبان به تحسین آن می‌گشاید. او سپس به پلی می‌رسد که به همت «الله وردی خان» - دوست و سپهسالار «شاه عباس اول» - ساخته شده است؛ و اما ادامه گزارش:



این سازه استوار شده بر روی زاینده رود، با ۲۹۵ متر طول، بر روی ۳۴ پایه، با فاصله‌های مساوی قرار گرفته شده است. راه میانی، پهن تر است و حفاظ بسیار خوبی دارد و برای عبور کاروان‌ها اختصاص داده شده (۱). برای عبور پیاده نیز، دالان‌هایی سرپوشیده - محفوظ و جان‌پناه - در نظر گرفته شده است. دهانه‌ها و طاق و قوس‌های آن، با آجر پخته شده، ساخته شده اند و تنها، پایه‌های پل سنگی هستند. پس از گذر از رودخانه، از یک سطح شیب دار ملایم پایین رفتن و در یک آن، بر ساحل زاینده رود تأمل کردم.

این رود که نامش را قربانی شکوه این خاک کرده، همه آب‌های خود را برای آبیاری دشت‌هایی که از میانش می‌گذرد، وقف کرده است. جاده به سوی راست می‌پیچد و بلافاصله وارد جلفا می‌شود، جایی که همه مسیحیان دور هم گردآمده اند. یک قانون قدیمی که همچنان رایج و متداول است، حضور و زندگیشان را در اصفهان تضمین و رسمی می‌کند. من از ابتدا، کاملاً در برابر تفاوت‌های ظاهری شهر مسلمانان و شهر مسیحیان شگفت زده شدم. ما در جلفا، خانه‌هایی گلی، پنهن در پشت دیواره‌هایی کسل‌کننده و بی‌روح پیدا کردیم، اما نظم و پاکیزگی بر خیابان‌ها حاکم است. خیابان‌هایی که با یک آبراهه روان بر زیر درخت‌های زیبا، به دو قسمت تقسیم شده اند.

خوش آمدید. صومعه متعلق به شماس و همه در خدمت‌گذاری به شما خرسند خواهند شد و برای همراهی تان آماده اند. چنان که رضایت شما باشد. همه اطلاعاتی که ممکن است برای شما لازم باشد را در اختیار تان می‌گذارند. اتاق شما در طول روز بسیار خنک است و شما در آنجا آسوده خواهید بود، امیدوارم. اما در شب هوای دلپذیری ندارد. بنابراین من جایی را در بالای برج ناقوس برای شما آماده کرده‌ام. جایی که می‌توان همه تابستان را در آن استراحت کرد.»

شب که فرا رسید، پدر ما را به میز شامی بسیار اشتها آور و مطبوع، دعوت کرد. همچنین، هنگامی که منتظر بودیم کاروان ما از راه برسد، او ما را به باغ صنوبر و انگور راهنمایی کرد. جایی که جست و خیز یک غزال وحشی در میانش، هزاران خسارت به بار آورده بود.

از پدر پرسیدیم: سرآغاز مهاجرت ارامنه رها شده در قلب یک کشور مسلمان چیست و پایه و اساس آن به چه دورانی باز می‌گردد؟ او پدر گفت: «ارامنه، در زمان‌های بسیار قدیم، در دامنه کوه آرارات ساکن بودند. براساس یک سنت کهن، اسامی آنها باید برگرفته از «آرامی» (۷) باشند که در ۱۸۰۰ پیش از میلاد، در امپراطوری ارامنه پایه گذاری شده است.

این سایه‌های درختان، جان‌پناه گردشگران و عابران است از اشعه سوزان آفتاب؛ همچنین حفاظی است برای دکان‌های میوه‌فروشی و قلاب‌های قصابان. خیابان‌ها سرزنده و پویا نیستند، با این حال، چیزهایی کوچک و بانشاط از زندگی و شور حیات وجود دارد که متمایز از این زمینه تاریک است. کودکان ارامنه، با کلاه‌های پشمی شنگرف (۲) بر سر، که از مدرسه باز می‌گشتند، با مهربانی و با عبارتی چون «bonjour (۳)، moussiou (۴)» و یا «good morning (۵)» به ما سلام می‌دهند. زنان با حجاب سفید، قدم زنان از کنار دیواره‌ها می‌گذرند.

خوش آمدید. صومعه متعلق به شماس و همه در خدمت‌گذاری به شما خرسند خواهند شد و برای همراهی تان آماده اند. چنان که رضایت شما باشد. همه اطلاعاتی که ممکن است برای شما لازم باشد را در اختیار تان می‌گذارند. اتاق شما در طول روز بسیار خنک است و شما در آنجا آسوده خواهید بود، امیدوارم. اما در شب هوای دلپذیری ندارد. بنابراین من جایی را در بالای برج ناقوس برای شما آماده کرده‌ام. جایی که می‌توان همه تابستان را در آن استراحت کرد.»

شب که فرا رسید، پدر ما را به میز شامی بسیار اشتها آور و مطبوع، دعوت کرد. همچنین، هنگامی که منتظر بودیم کاروان ما از راه برسد، او ما را به باغ صنوبر و انگور راهنمایی کرد. جایی که جست و خیز یک غزال وحشی در میانش، هزاران خسارت به بار آورده بود.

از پدر پرسیدیم: سرآغاز مهاجرت ارامنه رها شده در قلب یک کشور مسلمان چیست و پایه و اساس آن به چه دورانی باز می‌گردد؟ او پدر گفت: «ارامنه، در زمان‌های بسیار قدیم، در دامنه کوه آرارات ساکن بودند. براساس یک سنت کهن، اسامی آنها باید برگرفته از «آرامی» (۷) باشند که در ۱۸۰۰ پیش از میلاد، در امپراطوری ارامنه پایه گذاری شده است.



بوده، خلق و خوی مردم سالارانه ذاتی شان، یک پیروزی به همراه داشت؛ آنها در کارهای بانکی و بازرگانی با بنی اسرائیل، رقابتی توانمند داشته اند...»

ادامه سفرنامه را در شماره آینده بخوانید. پدرمقدس از ماجرای پادشاهی شاه عباس اول و آمدن ارامنه به اصفهان می گوید و...

نیایشی این دوره، مجموعه عبادت هایی بودند که به زبانی کهنه نوشته می شدند و به طور قابل توجهی با زبان مدرن ارامنه متفاوت بود. ترکیبی بود از واژه های خارجی. پادشاهی ارمنستان تا سلطنت «لون ششم» قدرتمند بود. این شاهزاده با هجوم قبیله ای وحشی، کشورش را ترک کرد و آن را به دست مهاجمان سپرد و تا زمان مرگش در سال ۱۳۹۳ در پاریس ماند. شخصیت ارامنه، همواره مهربان و مسالمت آمیز

قرن چهارم میلادی، هموطنان من به دین مسیحیت در می آیند. از زمان تغییر دین به بعد، دوران شکوفایی و پیشرفت فکری و اندیشه در این سرزمین آغاز می شود. نویسندگان معروف، شاهکارهای عبری، سریانی و کلدانی را ترجمه می کنند. حتی آثار هومر ترجمه می شود. بعد از انشعابی مذهبی که ارامنه و یونانیان را از هم جدا کرد، ادبیات ما در اوج فعالیت خود، زیر پوشش «شورای کلسدون» در می آید. کتاب های

دیولوفوی» (۱۸۴۳-۱۹۲۰م)، مهندس راه و ساختمان و باستان شناس فرانسوی، همسر مادام دیولوفوی است که در این سفر اکتشافی، سرباستان شناس گروه فرانسوی بود. ۷- آرامی: زبانی که همچون خط آن از خاستگاه و نحوه پیدایش آن اطلاعی در دست نیست. این زبان در نیمه دوم هزاره اول پیش از میلاد، به عنوان زبان فراگیر شرق باستان - از جمله نواحی تابعه هخامنشیان - به کار رفته و شهرتی فراگیر یافت. واژگان آرامی، تأثیری بسزا بر روی زبان های همزمان خود و پس از خود داشته است. نام «آرامی»، نامی است که در دوران معاصر به این زبان گفته شده و از نام اصلی آن اطلاعی در دست نیست. خط آرامی حدود ۲۲ حرف الفبایی دارد. بسیاری از خط های بعدی، چون خط پهلوی پارسی، خط پهلوی ساسانی، خط سغدی، خط مانوی و خط فارسی، ریشه در خط آرامی دارند. (Irania Encyclopedia).

۱- «پل الله وردی خان که چون به فرموده شاه عباس بزرگ، او اهتمام نمود، به نام او معروف شد و از چهارباغ عباسی راه است برای چهارباغ بالا و جلفا.» (تاریخ اصفهان، نوشته: میرزا حسن جابری انصاری، تصحیح و تعلیق: جمشید مظاهری، نشر مشعل، ۱۳۷۸). «بنای سی وسه پل، بانی: شاه عباس کبیر، تاریخ بنا: هزار و یازده (۱۰۱۱ق.ا.)، ۱۲ رجب آن سال عمارت پل و باغات پایان یافت، چون به سرکاری الله وردی خان بیگلربیگی فارس ساخته شد به نام او هم می خوانند. الله وردی خان در سنه ۱۰۲۲ [ق.ا.] درگذشت.» (کتاب تاریخ اصفهان، جلد سوم، نوشته: علامه جلال الدین همایی، به کوشش: ماهدخت همایی، نشرهما، ۱۳۸۴). ۲- سرخ رنگ. ۳- «سلام» به فرانسوی. ۴- در متن اصلی «mossiou» است و شاید منظور «monsieur» باشد به معنی «آقا» به فرانسوی. ۵- «روز به خیر» به انگلیسی. ۶- «مارسل اوگست

راهنمای سفر از اصفهان به کرمان

فراتر از صفر پنج

کرمان، ماهان، راین، سیرجان،
شهداد، سیرج، میمند و شهر بابک

باغ شازده برویم و به آستان شاه نعمت اله ولی عرض ادب بکنیم. گرم ترین نقطه زمین را بینیم و از خاطرات چند هزار سال نظاره سرو سیرج پیوسیم. روستای صخره‌ای میمند، باغ سنگی سیرجان ارگ راین و بیلاق های کرمان هم دیگر دیدنی‌هایی هستند که شما را سر ذوق خواهند آورد. تازه همه اینها را که دیدیم نباید از شهر کرمان با آن همه بناهای زیبا و مجموعه بازار و محوطه باستانی جیرفت با آن همه سر و صدایی که به پا کرده و برگه بر تاریخ این سرزمین افزوده غافل شویم. وقت تنگ است و اعمال زیاد!

اگر روزی کسی از من سراغ سفری خاص در بهمن ماه را بگیرد، بی شک کرمان را معرفی می‌کنم؛ استانی خاص با شگفتی‌های زیاد. شاید این سال‌ها خیلی‌ها یمان هرگاه نامی از کرمان به زبان می‌آوریم یاد آن صبح غم انگیز در ۵ دی سال ۸۲ می‌افتیم؛ روزی که مام طبیعت جان هزاران هم وطنمان را گرفت. اما اجازه بدهید فاتحه‌ای برای شادی روح آن هموطنان بخوانیم و آماده سفری دوست داشتنی به کرمان شویم. قرار است در این سفر مجازی از شهر کوتوله‌ها بازدید کنیم به ماهان و

از اصفهان بدون توقف تا کرمان

کرمان دومین استان پهناور ایران در جنوب شرقی نقشه یوز مانند ایران قرار دارد و برای رسیدن به آن باید از یزد گذر کنیم؛ از آنجا که دیدنی‌های زیادی انتظارمان را می‌کشد بدون توقف در یزد به کرمان می‌رویم و دیدن این شهر را می‌گذاریم به زمانی دیگر. اصفهان - نایین - میمند - یزد - مهریز - انار - فرسنگان - کرمان مسیر ۶۷۰ کیلومتری ما تا کرمان است؛ مسیری نسبتاً طولانی، ولی زیبا که البته ما این مسیر را در شب طی می‌کنیم.



همه وسایلی که برای سفر کرمان نیاز دارید

«برای سفر به کرمان آن هم در این فصل چه وسایلی نیاز است؟» این اولین سوال خیلی طبیعی است که باید قبل از سفر از خودتان بپرسید و بسته به جوابی که می‌دهید، امکاناتی را فراهم کنید و بعد سفر را آغاز کنید. جواب این است که بستگی به نوع سفر شما دارد. کمپینگ را انتخاب می‌کنید یا هتل؟! نکته‌ای که باید در نظر گرفت این است که کرمان استانی کویری نیست و کوهستان بلند هزار این استان را به چهار فصلی زیبا بدل کرده است. جایی که می‌توانید با دو ساعت رانندگی از ماهان و دامنه کوه تیکران خود را به نخلستان‌ها و کویر شهداد برسانید.



ماهان؛ منطقه‌ای خوش آب و هوا با یک باغ و یک بقعه منحصر به فرد

اگر تا به حال فقط شنیده اید نگینی در دل کویر؛ با دیدن ماهان می‌توانید بگویید: بله من آن را دیده‌ام! ماهان در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر کرمان قرار دارد. مقصدی خوش آب و هوا با چندین جاذبه گردشگری طبیعی و تاریخی.

بقعه شاه نعمت اله / صبح زود، زمانی که هنوز همه در خواب نازند زمان مناسبی است برای خلوت کردن با صاحب‌دلی به نام شاه نعمت اله ولی که شاعر و عارف عالی‌قدر قرن هشت و نه هجری قمری است. شاه نعمت اله ولی شخصی است که با سفرهای زیاد و تفکر و تعقل و پژوهش به درجات بالای عرفانی رسید تا جایی که سرود: «ما خاک را به نظر کیمیا کنیم/ صد درد را به گوشه چشمی دوا کنیم/ در حبس صورتیم و چنین شاد و خرمیم/ بنگر که در سراچه معنی چه ها کنیم». ساعتی در آرامگاه شیخ قدم می‌زنم و به زیبایی‌های معماری این بنای ۷۰۰ ساله می‌نگرم. همیشه معماری گذشتگان را تحسین می‌کردم. همه چیز با اندیشه، همه چیز قرینه‌سازی شده؛ حتی درختان کاج در ورودی آستان مقدس شاه نعمت اله ولی! در بقعه شاه نعمت‌الله ولی، سایه روشن‌های لطیف و ملایمی وجود دارد که حاصل نورگیرها و ترکیب آنها با خطوط، نقش‌ها، زوایا و تقسیمات هندسی و منظم رواق‌های گرداگرد مزار است. این ساخت‌وسازها به دوره تیموری و صفوی مربوط می‌شود و در مجموع خطوط آرام و دلپذیری در این مکان به‌وجود آورده‌اند که متناسب با حال‌وهوای معنوی این بقعه است. بقعه حرمی چهار ضلع دارد و ارتفاع گنبد آن از کف حرم تا انتهای کاسه آن به ۲۰ متر می‌رسد. دو تالار جانبی هم از طرف شرق و غرب گنبد را احاطه کرده‌اند. شهر ماهان در کنار خود کوهستانی زیبا و سرد دارد به نام کوه تیگران این کوه مربوط به رشته جویبار است به بلندای ۴۱۳۵ متر و برف‌ها و یخچال‌های دایمی و دره زیبا و آبشار و چشمه‌ای که خود رازی است برای یک پدیده تاریخی شگرف. یکی از زیباترین و جذاب‌ترین باغ‌های ایرانی حیات خود را از این آبراهه گرفته است. معماری خلقی که توانسته‌اند با اختلاف ارتفاع و استفاده از این آب، فواره‌هایی را بسازند طبیعی در حیات یکی از شاهکارهای معماری ایران زمین.

باغ شازده ماهان / عکاس حمید صادقی

باغ شازده / شهر ماهان را به «باغ شازده» اش می‌شناسند. اسمش را شنیده اید شاید به آن هم سر زده باشید، اما آیا داستانش را هم می‌دانید؟! ماجرای باغ شازده یکی از باغ‌های منحصر به فرد ایرانی است. باغ فتح آباد تبریز، چهارباغ اصفهان، انگورستان ملک، باغ فین، باغ نگارستان، باغ ظهیرالدوله، باغ ارم، باغ جهان نما و صدها باغ دیگر که هر یک به تنهایی برگی زرین هستند بر تاریخ معماری و ذوق و سلیقه و طبیعت دوستی ایرانیان. باغ شازده در ۲ کیلومتری ماهان می‌درخشد و ایستاده است و روزهای خلوت خیلی کمی را به یاد می‌آورد. در باغ شازده منظره چهارباغ از یکسو و منظره کوهستان از سوی دیگر همراه با امارت‌های زیبای خانه و گرمخانه و حمام و ایوان‌ها با درختان بلند هارمونی و هماهنگی خوب و مطبوعی را ایجاد کرده‌اند. تاریخ ساخت این بنا به اواخر دوره قاجار برمی‌گردد و به دستور حاکم وقت کرمان محمدحسن خان بوده و تکمیل آن هم به دست عبدالحمید خان ایرانی صورت گرفته است.





ارگ راین و باغ سنگی / عکاس محسن رجب پور

راین و دومین بنای خشت و گلی جهان

حکمرانی حاکم این منطقه به نام میرزا حسین خان راینی و پسرش بوده است. به دغدغه همیشگی خودم؛ یعنی گردشگری می اندیشم. در سفرهایی که داشته‌ام، همیشه در حال عبور از مراکز مهم تجاری و بازرگانی قدیم کاروانسراهایی را دیده‌ام که برای اقامت و شب مانی و داد و ستد مسافران و کاروانیان در قدیم ساخته شده است و این نشانه اهمیت مهمان نوازی نزد ایرانیان است، ولی اکنون و در زمان حال که گردشگری به عنوان سومین صنعت پولساز در دنیا مطرح است و همه همسایگان ما گوی سبقت را از ما ربوده‌اند، ما کوچک ترین زیر ساختی را برای ورود مسافران از سرتاسر دنیا و صادر کردن فرهنگ قوی خودمان به آنها فراهم نکرده‌ایم. مثلاً در همین اصفهان ما بجای ۵۰ هتل ۵ ستاره فقط ۳ هتل ستاره داریم و این اصلاً خوب نیست. بگذاریم و بگذریم! اجازه بدهید راهمان را ادامه دهیم برای دیدن گرم ترین نقطه زمین.

راین (Rayen) نیز یکی از ییلاق های خوش آب و هوا و دیدنی کرمان است و دیدن آن را به همه شما توصیه می‌کنم. این شهر در دامنه کوه هزار که بلندترین کوه استان کرمان است، واقع شده قله های هزار و لاله زار - گونه های جانوری زیاده همچون کل و بز و گیاهان دارویی و کوهی این منطقه وسیع معروف است اما چیزی که راین را بیشتر معروف کرده، وجود دومین بنای بزرگ خشت و گلی در جهان است؛ ارگ راین. قدمت این قلعه به پیش از اسلام بر می‌گردد و بعضی ساخت آن را به ساسانیان نسبت می‌دهند. اهمیت راین (که نام قدیم راین است به معنی راه) به بودن تشکیلات اقامتی و امنیتی در این منزلگاه مهم تجاری است و ارگ راین به خوبی توانسته است از پس این مهم بر آید. این قلعه دارای زورخانه، حمام، اسطبل، محله شاه نشین و محله عامی نشین و بازار است و روزگاری در زمان نادرشاه افشار شاه بزرگ و کریم خان و نوادگانش محل





سیرجان و باغ سنگی

جاده ای ۱۸۲ کیلومتری به سمت جنوب غربی پس از گذر از باغین و بردسیر ما را به سیرجان می رساند شهری تاریخی بر سر راه ترانزیت بندر عباس به شمال که همانند بسیاری از شهرها نامش از گان به جان تغییر یافته؛ چراکه اعراب در الفبای خود «گ» نداشته اند. این شهر تا مدت ها مرکز ایلات کرمان بوده است و از آثار آن می توان به قلعه سنگی و آب انبارهای این شهر اشاره کرد. همچنین پاریز از بیلاق های مهم نزدیک سیرجان است. اما ما برای چیز دیگری اینجا هستیم؛ باغ سنگی!

باغ سنگی / در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی سیرجان و در روستای میاندوآب باغی وجود دارد از درختان خشکیده مردی ناشنوا و لال به نام درویش خان اسفندیارپور که در اثر اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۰ زمین های خود را از دست می دهد، که میوه هایی از سنگ را بر شاخه دارند. درویش خان به نشانه اعتراض سنگ ها را افراشته می کند و به مرور تمام این باغ را سنگ افراشته هایی فرا می گیرد که حتی پس از مرگ درویش هم افراد زیادی برای دیدن آن سختی مسیر را تحمل می کنند و به اینجا می آیند.

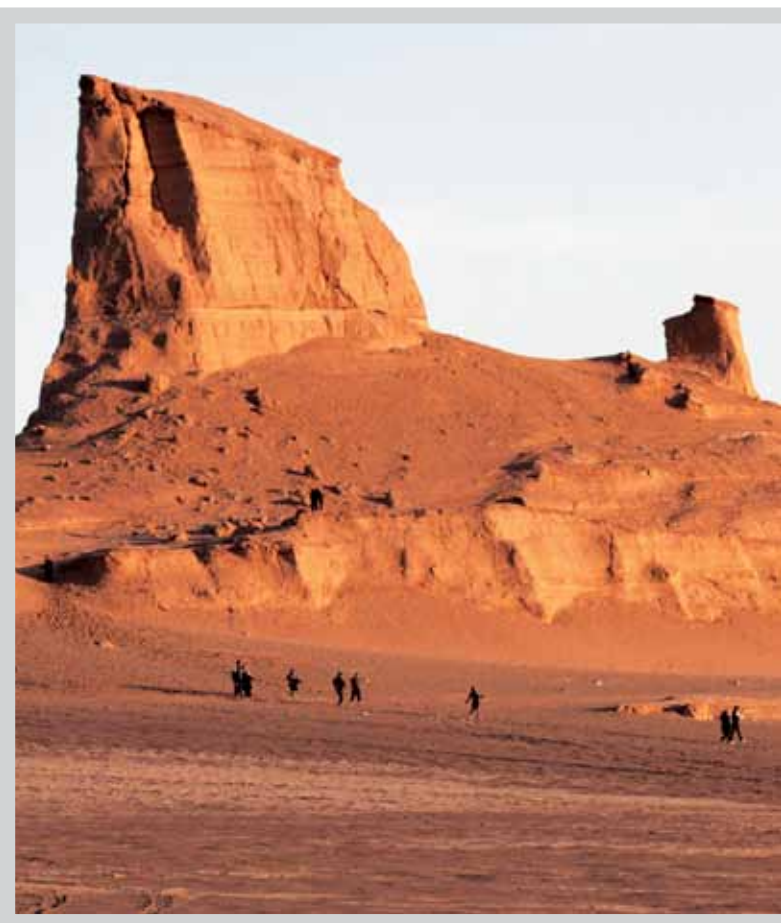




شهداد؛ از گرم ترین نقطه زمین تا شهرخیالی

فقط ۱۰۰ کیلومتر از مرکز کرمان به سمت نهبندان که حرکت می کنیم به شهر شهداد می رسیم؛ شهر گرمسیری با نخلستان های زیاد و سوغات خرما و پنیر خرما و شیر خرما.

گندم بریان/ منطقه گندم بریان در کویر شهداد توانسته رکورد گرم ترین نقطه زمین را به نام خود ثبت کند. طبیعت گرد که باشی، اگر در میان ساختمان های بلند ماسه ای در کویر شهداد که با معماری باد هنرمندانه شکل گرفته اند، قدم نرنی انگار که هیچ ندیده ای! در مورد گرم ترین نقطه زمین صحبت های بسیاری بین کارشناسان انجام شده است، برخی آریزونای آمریکا را با ۶۳ درجه سانتیگراد گرم ترین نقطه می دانند، ولی محققان ایرانی توانسته اند دمای ۶۷ درجه را در نزدیکی شهداد در منطقه ای با نام گندم بریان به ثبت برسانند. جسد گاوی نیز در کویر لوت کشف شده که بعد از ۱۵ سال با اینکه زیر نور آفتاب خشک شده بود هیچ گونه آسیب دیگری ندیده بود و به استناد همین کشف بزرگ این ادعا که هیچ موجود زنده ای توان زندگی در این طبیعت سخت را ندارد، تا حدود زیادی ثابت می کند.



خارجی بر آن گذارده اند و هنگام پیاده روی در میان کلوت ها در می یابید که این نام برانزده این مکان است هرچند خیلی ذوق زده ایم از اینکه این همه زیبایی را یکجا می بینیم، ولی وقتی روی نقشه کوچکی این منطقه را نسبت به کویر لوت می بینیم شگفت زده می شویم. چادرها برپا می شود و تلسکوپ ها و دوربین ها آماده ثبت تصاویر زیبا از آسمان بی بدیل شب می شوند. آتشی برپا می شود و علاقه مندان به جای آتشی و سیب زمینی آتشی سر از پا نمی شناسند. برای اینکه آلودگی نوری آتش در رصد ستارگان تاثیر نگذارد کمی آن طرف تر هم منجمان ما نشستند و با مباحث علمی خود مشغولند خوبی کمپ کویری شهداد این است که با مصالح بوم آور ساخته شده؛ یعنی از شاخ و برگ های نخل در آن استفاده شده و بیشترین سازگاری را با طبیعت دارد.

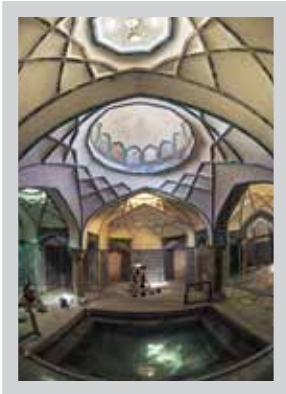
شهر کوتوله ها / سفرهای گالیور را همه به خاطر دارید؟ مردمانی که با قدهای کوتاه شهر خودشان را داشتند و ابزار و ادوات متناسب با جثه خود درست کرده بودند، خانه های کوچک لباس های بند انگشتی. تعجب نکنید نمی خواهیم داستان بگویم یا شما را با سفرنامه گالیور آشنا کنیم! فقط می خواهیم بگویم من هم اکنون در این شهر ایستاده ام چسبیده به شهداد شهری کشف شده که ارتفاع دیوارهای آن به زحمت به ۱،۵ متر می رسند و اسکلتها و ادوات و خانه هایی کوچک و کوتاه گویی که به غولی تبدیل شده ای و در شهر راه می روی. البته من که مطالب مرتبط با این شهر را در سایت های بسیاری خواندم و نمی دانستم دور شهر را حصار کشیده اند و اجازه بازدید نداریم، ولی دیدن آن از همین فاصله هم تجربه ای خوب بود.

شهر ارواح / کافی است ۲۵ کیلومتر دور شویم و به سمت شرق برویم شهر خیالی کلوت ها نمایان می شود. در راه گلدان های کویری که به نیکا معروفند در سمت چپ جاده خودنمایی می کنند و یک دو راهی نیز شما را به کمپی که برای شب مانی و ستاره چینی در کویر مهیا شده است، می رساند. اگر قصد شب مانی در کویر شهداد را دارید اینجا مکان مناسبی است. شهر ارواح نامی است که سیاحان

سیرچ به سوی گرمسیری

سر راه کرمان به شهتاد روستای کوچی با باغ‌های بزرگ و سرسبز خود نمایی می‌کند. در اینجا پمپ بنزین و گازوئیل وجود ندارد. یک خانه واحد فروش سوخت در این روستاست و سوخت حکم طلا دارد برای کسانی که وسیله نقلیه دارند. دو درخت سرو کهنسال با عظمت در کنار پلی که بر روی یک رودخانه فصلی است از بالای بالا نظاره گر ما هستند. شاید اگر زبان سخن داشتند و پی به رازهای درونشان می‌بردیم در این بین یکی از بزرگ‌ترین تونل‌های ایران نیز ما را از خود عبور می‌دهد که این تونل در واقع در آمدن از سردسیر کرمان و وارد شدن به گرمسیر است، طول این تونل ۲۰۰۵ متر است.





کرمان؛ از صفر پنج تا گنجعلی خان

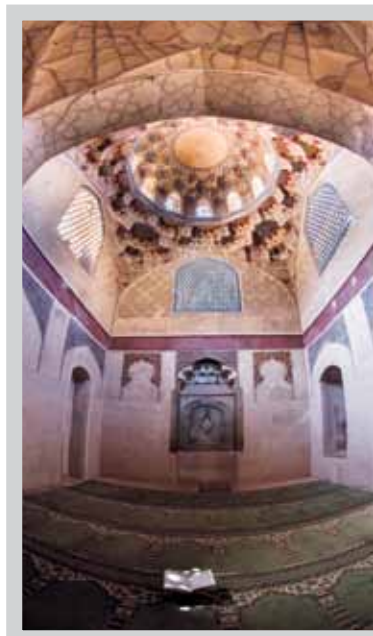
بازار / همیشه قدم زدن در راسته بازارهای قدیمی با آن همه بوی گیاهان دارویی و صدای مسگری و فریاد کاسب بچه‌ها لذت بخش است بازار کرمان دست فروش زیاد دارد. زیره و قاوون و پسته عمده فرآورده‌های بازار کرمان هستند و محصولات چینی از موبایل‌های روز دنیا به قیمت پایین و انواع صدا پخش کن‌ها و عطر و ادکلن تقلبی رنگ و بوی سنتی بازار تاثیر گذاشته است.

حمام گنجعلی خان / یک حمام کامل با همه آن اجزای قدیمی حمام از سردخانه و گرم‌خانه و سرداب و شاه نشین و خزینه و آب انبار و... است. دلم از این حمام‌ها می‌خواهد با همان حال و هوای قدیمی که دلاک مشمت و مالی دهد و من هم انعامی! یسار فیلم‌های قدیمی می‌افتم یادش بخیر حیف که همه چیز را از حالت عمومی به خانه‌ها بردیم و کم‌کم زندگی اجتماعی فراموشمان شد. از دیگر بناهای مجموعه گنجعلی خان ضرابخانه، میدان گنجعلی خان و مسجد گنجعلی خان است که دیدن این مجموعه زیبا را به همه پیشنهاد می‌کنم. به دلیل کمبود وقت و راه طولانی و همچنین بازدیدهای قبلی از ارگ بم از دیدن این مجموعه عظیم صرف نظر کرده و راه میمند و روستای صخره‌ای را در پیش می‌گیریم.

حالاً نوبت کرمان است؛ شهری که برای خیلی‌ها یادآور خاطرات خوش سربازی است، «صفر پنج» معروفی دارد و می‌گویند کارخانه انسان سازی است! به یاد شعر زیبای: «هر چند که پابسته به این آب و گلیم / از روی کریمان دو عالم خجلیم / در روی جهان نیست چو کرمان جایی / کرمان دل عالم است و ما اهل دلیم» می‌افتم. کرمان شهر زیبای باستانی با تاریخی کهن آثار بسیار زیادی را در خود جای داده است که ما به بازدید از حمام و بازار گنجعلی خان و مسجد چهلستون بسنده می‌کنیم.

مسجد چهلستون کرمان / یادگاری از دوران قاجار با معماری مختص همان دوره است دارای مجموعه کاروانسرا، بازار و آب انبار. اگر مسجد چهلستون شیراز را دیده باشید به راحتی متوجه کپی‌ماهرانه این مسجد می‌شوید مسجد چهلستون در خیابان شریعتی کرمان قرار دارد.

مجموعه گنجعلی خان / گنجعلی خان حاکم مقتدر کرمان در زمان حکومت شاه عباس کبیر بود و با الگو برداری زیبایی از معماری‌های آن دوران در اصفهان مجموعه‌ای ماندگار را از خود به جا گذاشت.





میمند؛ از کاپادوکیا و کندوان تا میمند

راه دیگری در پیش روی ماست و مجال ماندن نیست به شهر بابک و از جاده شرقی به روستای شگفت انگیز میمند می رویم. یکی از سه روستای صخره ای زنده در دنیا. کاپادوکیا در ترکیه و کندوان در تبریز را دیده بودم و اینک نوبت میمند است روستایی با تاریخ کهن ۸۰۰۰ الی ۱۲۰۰۰ ساله و خانه هایی کنده شده در دل کوه که مردمان آن هنوز با گویش پهلوی ساسانی سخن می گویند شگفتی این روستا را زمانی در می یابیم که به خانه هایش وارد می شویم. همه دستکن حتی تاقچه ها. بعضی از خانه ها دو ستون دارند و خانه های بزرگ تر چند ستونه هستند. روستا، حمام هم دارد به همان سبک خانه ها رختکن و حوض و خزینه خیلی خوب است حتی مدرسه روستا هم دستکن است. مردم روستا دامداری و باغداری می کنند ولی عمده فعالیت زنان روستا قالی بافی است؛ قالی کرمان همان قالی است که هر چه پا می خورد ارزشمند تر می شود. زیباست و یکی از اصیل ترین هنرهای باستانی ایرانی. برای دیدن بهتر روستا تپه مقابل می رویم و با پدیده ای بی بدیل روبه رو می شویم. خانه های روستا بین ۲ تا ۵ طبقه است و این زندگی آپارتمانی در چند هزار سال پیش برای ما عجیب است و باور نکردنی. در گویش محلی به این خانه ها «کیچه» می گویند و حدود ۴۰۰ کیچه در این روستای باستانی وجود دارد.





بادگیر چهل ستون و مناره از مسجد و حمام گنجعلی خان / کاس جدید صادقی





شهر بابک؛ پل زیره کرمان با گوشت لاخلولی!

از میمند دل می کنیم و به شهر بابک می رویم خسته ایم و در طلب استراحت. پلو زیره کرمانی با گوشت لاخلولی خستگی سفر طولانی مان را کم می کند و خانه دوست مهمان نواز شهر بابکی من با گرمای وجود مهمان نواز پدر و مادرش من و دوستانم را خجل می کند. سنت مهمان نوازی از سرشتی ترین مشخصه های ایرانیان است و فقط کافی است شیبی را مهمان ناخوانده خانه شان باشی تا پاکی و صمیمیت و سادگی پذیرایی شان تو را به حال و هوای خانه خودت ببرد.

بی توقف تا اصفهان

صبح زود صبحانه ای می خوریم و به سمت اصفهان حرکت می کنیم در راه از مهریز که پاسگاه ای است و بازرسی است رد می شویم علیرغم معطلی زیاد خسته نباشید جانانه ای هم به این عزیزان می گوئیم که شب و روز برایشان بی معنی است و همیشه بیدارند برای جلوگیری از ورود مواد مخدر به شهرهای مرکزی. یزد را با همه زیبایی هایش پشت سر می گذاریم و پس از آن میبید و اردکان. در سفرنامه ای مفصل شما را در سفری زیبا به این دو شهر با خود همراه خواهیم کرد.

شماره دوم **دانشکده** ۱۷
نیمه دوم بهمن مانودوسه



سفری به قصد آرامش، نه خرید! کیش آرامش

ساحل مرجان و دریا

متن و عکس وحید شریفی
کاربرگاتورسیت



به آب روشن دریا فروشستم
و غم‌ها را به دریا دادم و دیگر
تماشای پری‌ها بود و
مهتاب و من و
بوی گس دریا
و دیگر خاطرات دور و دیر و
ساحل آرام

به آوازی بلند و دلریا خواندم
و ماهی‌ها برآیم گریه می‌کردند
و من در حسرت یک قایق کوچک
میان ساحل و دریا روان بودم
صدفی برچیدم و گفتم:
صدف‌ها شعر زیبای خداوندند
تمام خستگی‌ها را

و در دل حس زیبا و غریبی بود
از اینجا تا کجا
آری! همه دریا
همه ماهی
همه مهتاب
من اینجا در میان ساحل آرام شب بی تاب
و من شعر بلند خاطراتم را

در آن شب ساحل و مهتاب و دریا و من تنها
و دیگر شعر زیبای صدف‌ها و
صدای موج و
گه‌گاهی نسیم و
برق آب و
زورق مهتاب
و من لبریز آواز و سرود و زندگی بودم





در تب و تاب خانه تکانی و خرید و شلوغی و استرس کارهای شب عید و ترافیک و دود و بوق و خستگی و اعصاب‌های خرد و صبرهای لبریز، معجزه‌ای است آرامش کیش و ساحل مرجان گوشه دنج خاطرات من است. سکوت و تنها صدای موج آبی به زلالی اشک چشم، و ماهی‌های راه راه که تا پیش پایت می‌آیند و به شیطنت می‌گریزند. انگار که تو را به بازی بطلبند. گل‌های کاغذی که از جاده تا ساحل همراهی‌ات می‌کنند و چتر گل بر سرت می‌کشند، هر پله که پایین می‌روی و به دریا نزدیک‌تر می‌شوی، انگار که بندی از پاها باز می‌شود، به دریا که می‌رسی، بادبادک هفت رنگی می‌شوی سبکیال و سبکیار و رها... رها در آسمان و غرق در افق‌های دور دست دریا... نسیم دریا صورتت را نوازش می‌دهد و با خود می‌برد هر چه را که آزارت می‌دهد. می‌نشینی و ساعت‌ها به موج‌ها و ماهی‌ها خیره می‌شوی. چه موسیقی آرامش بخشی است صدای موج و تنفس‌شن‌های سپید؛ موسیقی تکراری که هیچ میزانش تکرار نخواهد شد. و صدف‌ها، جواهرات زیبا و بی‌قیمت و بی‌قیمت به هر دو معنا. دست می‌برم و مشتی صدف از روی سنگ خیس برمی‌دارم؛ صدف‌های حلزونی شکل کف دستم به راه می‌افتند؛ جانوران کوچکی صدف‌های خالی را خانه خود کرده‌اند. با احتیاط همه را روی تخته سنگ می‌گذارم و به خوشبختی آنها فکر می‌کنم و به اینکه چه قدر خوش سلیقه‌اند. شب هنگام، ماه بالا می‌آید، بزرگ بزرگ. چندان که حیرت می‌کنی، دوربین را به دست می‌گیرم، یک چشم را می‌بندم و با دیگری، دو برابر می‌بینم، ماه را می‌یابم، نفس را به آرامی بیرون می‌دهم و در لحظه‌ای خاطره ماه در حافظه دوربین و من ماندگار می‌شود.



از اصفهان تا شیراز

غذاگردی طلایی، زعفرانی

خورش ماستی که اصفهانی‌ها می‌پزند Vs خورش ماستی که شیرازی‌ها می‌پزند!



خورش ماست شیرازی

را حفظ کرده‌ایم و هم به مدرنیته رسیده‌ایم. ببینند رستوران‌هایی کاملاً مدرن داریم که در آنها می‌شود به صدای پیانوی پیانیست رستوران گوش داد و میان میز غذاها که استیک و تیرامیسو و پراونی و سوشی هم دارد، کلم پلوی شیرازی را انتخاب کرد. مثلاً با دوغ محلی و رنگینک پوشه‌ری و حتی خورش ماست نیمه اصفهانی، نیمه شیرازی!

ما مجری‌های یک برنامه تلویزیونی غذاگردی بودیم که دور ایران می‌گشتیم و غذاهای سنتی شهرهای مختلف را در رستوران‌های مجلل جلوی دوربین برای ایرانیان خارج از کشور، مخصوصاً نسل دوم مهاجران که اطلاعات کمتری نسبت به موطن مادری‌شان دارند، امتحان و معرفی می‌کردیم تا آنها ببینند که ما، هم سنت‌ها بماند

خورش ماست شیرازی چگونه است؟

خورش ماست، دسر لذیذ و اعیانی اصفهان، خاطرخواه زیاد دارد. این را وقتی در بوفه آزاد یکی از بهترین رستوران‌های کشور در شیراز، دیدمش فهمیدم. سرآشپز داشت برای مصاحبه تلویزیونی‌اش با ما آماده می‌شد که پرسیدم: این خورش ماست اصفهان است؟! جواب داد: «خورش ماست به سبک شیرازی» است و خیلی جدی توضیح داد که تکه‌های بزرگ گوشتی که در این مدل خورش ماست مرا به تعجب واداشته، به خاطر آن است که شیرازی‌ها برای درست کردن این دسر، گوشت زیاد استفاده می‌کنند، در حالی که اصفهانی‌ها برای آن که گوشت کمتر استفاده کنند، دست به ریشه ریشه کردن‌شان زده‌اند! نه. نگران نباشید. من توضیحش را بی‌جواب نگذاشتم. معلوم است که ریشه ریشه کردن گوشت‌ها برای یک دست شدن دسر است؛ یعنی برای این است که خورش ماست مرغوب‌تر و یکدست‌تر و پرکشش‌تری داشته باشیم. اصلاً چه کسی می‌تواند کتمان کند که تمام کیفیت دسری به نام «خورش ماست»، که البته نه خورش است و نه ماست، همین است که وقتی چنگال را در ظرفش فرو می‌بری یا حجمی رو به رو شوی که از فرط مرغوبیت و پرگوشتی، به اندازه پنیر پیتزا کش می‌آید، رنگش نه زرد که زعفرانی است و مزه شیرینی دارد که دل را نمی‌زند.



مرصع پلوی شیرازی

خورش ماست را در رستوران‌ها چگونه می‌پزند؟

خورش ماست را در منوهای رستوران‌های اصفهان به عنوان دسر آورده‌اند؛ چون شیرین است و هر چند پرکالری است، می‌تواند مکمل خوبی برای یک ناهار چرب و حسابی مثل بریان یا مرصع پلو باشد و مهم‌تر اینکه آنها که ماست را به خاطر پایین آمدن فشارشان نمی‌خورند می‌توانند بدون نگرانی خورش ماست را که هم ماست دارد، هم زعفران و هم گوشت بخورند.

یک رسیپی خاص برای خورش ماست وجود ندارد. رستوران‌های مختلف هرطور که می‌توانند و صلاح می‌دانند درستش می‌کنند. گاهی آنقدر زعفرانش را کم می‌کنند که رنگش به سفیدی ماست می‌شود و آن قدر گوشتش را کم می‌گیرند یا خوب ورز نمی‌دهند که خورش ماستشان واقعا شبیه خورش می‌شود! گاهی ته مزه‌اش به ترشی می‌زند؛ چون ماستی که استفاده کرده‌اند ترش بوده و گاهی آن قدر شیرین است که یک قاشقش را بیشتر نمی‌توانید بخورید، اما اگر غذاگرد حرفه‌ای باشید، با یک نگاه از دو کیلومتری خورش ماست مرغوب را تشخیص می‌دهید! یعنی خورش ماستی که گوشتش به قاعده بوده و خوب هم ورزش داده‌اند، ماستش مرغوب و شیرین بوده و البته مقدار زعفرانش از پس تامین رنگ طلایی- نارنجی یک دسر درجه یک برآمده است.

ما بخت این را داشتیم که مراحل پخت یک خورش ماست مرغوب را در یکی از بهترین رستوران‌های اصفهان از نزدیک دنبال کنیم. آشپزها پیش از ظهر شروع کردند به کار. اول ۶۰ کیلو ماست کیسه انداخته (ماست چکیده) را کم‌کم صاف کردند. مرحله دوم اضافه کردن ۳۰ کیلو شکر بود. مخلوط را آنقدر هم زدند که یکدست و رقیق شد. بعد رقتیم پای شعله ملایم گاز؛ جایی که دو آشپز متبحر با بازوهای قوی، یک کیلو گوشت پخته و ریشه ریشه شده را روی حرارت غیرمستقیم بخار آب، با مخلوط ماست و شکر خیلی آرام قاطی کردند و ورز دادند؛ آنقدر که مایع به خمیری سفید و یکدست تبدیل شد و آماده برای زعفرانی شدن. مرحله آخر همین زعفران زدن است و بعد باز ورز دادن مخلوطی که از سفیدی به طلایی رسیده است. خورش ماست آماده شد. با آن همه حرارت و یک چیز مسجل بود. اینکه برای آماده کردن این دسر، بازوهایتان باید به شدت قوی باشند و دست‌هایتان مقاوم به حرارت و صبرتان زیاد. این دسر به همین راحتی‌ها به دست نمی‌آید!



خورش ماست اصفهانی



بریان اصفهان

خورش ماست اصفهانی با گوشت و ماست و زعفرانی که به قاعده باشد، این روزها در رستوران‌ها و مراکز طبخ غذا به ازای هر کیلو حدود ۱۸ تا ۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. گاهی هم البته با قیمت کمتر که خوب هر چه ارزان‌تر باشد معنی‌اش این است که گوشت و زعفران کمتری برای تهیه‌اش مصرف کرده‌اند و این یعنی بیشتر شبیه ماست زعفرانی شده تا خورش ماست!



یک خورش ماست خانگی درجه یک بپزید

برای خیلی‌ها خورش ماست فقط روی میز دسرها در عروسی‌ها (آن هم اگر زرنگ باشند و قبل از تمام شدنش برسند) یا در منوی رستوران‌ها پیدا می‌شود. اما کدبانوهای اصفهان رنج پختن خورش ماست خانگی را به مناسبت‌های مختلف متحمل می‌شوند. باید صبور باشید و مشتاق و متبحر تا بتوانید یک خورش ماست خانگی درجه یک درست کنید. ۱۵۰ گرم گوشت گردن می‌خواهید. باید آن را با پیاز بدون نمک و ادویه پخت. چربی و استخوان‌هایش را جدا و با گوشتکوب نرم‌شکن کرد. حالا نوبت ماست و تخم مرغ و شکر است که باید با هم مخلوط کنید و نیم ساعت تمام روی شعله ملایم مخلوط را هم بزنید تا مایعی سفید و یکدست به دست بیاورید که البته کش می‌آید. درست در این مرحله است که باید صبور باشید و نیم ساعت هم زدن مایع روی شعله ملایم را تاب بیاورید! حالا باید مخلوط را از روی شعله بردارید و آرام دور از حرارت، گوشت را به مایع اضافه کنید و هم بزنید. گوشت اضافه شده به مخلوط را باید ۱۵ دقیقه ورز بدهید، طوری که یک مخلوط یکدست داشته باشید. حالا مرحله زعفرانی ماجراست. زعفران را به مخلوط اضافه کنید و همه را با هم پنج دقیقه هم بزنید تا یک مایع یکدست کشدار طلایی رنگ حاصل شود؛ دسری به نام خورش ماست که با مغز پسته و بادام تزیین می‌شود و اعیانی و اعلا و خوشمزه است.



متن و عکس مهدی تمیزی
عکاس و پژوهشگر هنر

اصفهان و گردشگران فرنگی، بخش دوم، ابودلف

خاک اصفهان؛ بهترین خاک روی زمین

سفر یک گیاه و معدن شناس عرب به هند، چین، بخارا، تبت و ایران هزار سال پیش

او بیش از هر چیز، علاقه مند به دیدن آثار قدیمی و مناظر طبیعی بود. چرا که هم گیاه‌شناس بود و هم معدن‌شناس؛ همچنین در کنار توجه به این موضوع ها، به آثار معماری گذشتگان (به ویژه آثار دوران هخامنشی و ساسانی) هم پرداخته است و انعکاس این آثار معماری در نوشته‌های او، سبب شگفتی پژوهشگران و جغرافیدان‌های سده‌های ۴ و ۵ ق. (۱۰ و ۱۱ م) شده است. رساله ابودلف، سرشار از مطالب ارزشمندی است که نمونه‌هایی از آن را کمتر می‌توان در نوشته‌های پیشینیان و یا هم دوره‌های او دید؛ ابودلف در

در اصفهان، ابودلف در محضر «صاحب بن عباد» (۳) حضور می‌یافت و از یاران و دوستداران او بود. با اینکه ابودلف از مردم جنوب عربستان بود و خوی آنها را داشت، اما تفاوتش با آنها این بود که او سفر می‌کرد و سفرنامه می‌نوشت. مسیر مسافرت‌های او به هند، چین، بخارا، تبت، ایران و دیگر سرزمین‌ها را اگر رسم کنیم، از گردش چلیپایی و عجیب او حیرت زده می‌شویم. شهرهایی از ایران را نیز که ابودلف دیده، از این قرار است: طوس، خراسان، گرگان، نیشابور، بسطام، دامغان، دماوند، اصفهان، قم، ری، همدان، نهاوند، ایذه اهواز، قصر شیرین، قرمسن (کرمانشاه) و بسیاری از شهرهای دیگر.

مُسَعَّرِینَ الْمُهَلْهَلِ معروف به «ابودلف» (۱)، شاعری خوش بیان و از گردشگران عرب بود که حدود هزار سال پیش (۲) به اصفهان سفر کرد. او که حدود ۹۰ سال زندگی کرد، بیشتر در رنج و سختی روزگار خود را گذراند، ولی هیچ‌گاه از سفر کردن دست برنداشت. عشق او در سفر، یافتن اهل دانش و سپری کردن زندگی در کنار دانشمندان بود. خود او می‌نویسد: «به بسیاری از سرزمین‌های خدا سفر کردم و در جای‌جای آن زندگی کردم. مردمان چه در جای زندگی‌ام و چه در هنگام سفر کردنم، حسادت کردند؛ اما من به هر کجا سفر کردم، برای الفتی بود که با مردم آنجا داشتم.»



▲ از هر شهر و روستایی دور تا دور دماوند که باشکوه و به این کوه باشکوه نگاه کنیم، چیزی از زیبایی کم نمی آورد. الان اینجا «کیلان» است. منطقه ای باستانی و خوش آب و هوا، در دامنه جنوبی کوه دماوند. الان اینجا، برف نشسته، دارد کم کم خودش را جمع و جور می کند تا جاری شود؛ مثل یک گردشگر واقعی که نباید بنشیند، باید جاری شود.

گزارش های خود، داستان های شفاهی را که سینه به سینه گفته شده اند و دربرگیرنده شگفتی های طبیعی و اطلاعات تاریخی، اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی می شوند آورده و به آثار خود جنبه ای مردم شناسانه داده است. برخی از پژوهشگران چون ولادیمیر مینورسکی (۴)، از ابودلف به عنوان نخستین نگارنده ای نام می برند، که از جایگاه به بند کشیده شدن ضحاک در دماوند سخن می راند؛ ابودلف در مورد دماوند چنین می نویسد: « دماوند (۵)، کوه بسیار بلند و باشکوهی است؛ زمستان و تابستان، قله آن از برف پوشیده شده و مردم آن را از گردنه همدان به چشم می بینند. برخی از عوام بر این عقیده اند که سلیمان بن داوود، یکی از دیوهای سرکش به نام «سنگ سرشکن» (۶)، را در آنجا زندانی کرده و برخی دیگر عقیده دارند که «شاه فریدون»، «ضحاک» (۷) را در آنجا زندانی کرده است. مردم بر این باورند، دودی که از دهانه های غار این کوه بیرون می آید، نفس ضحاک است و آتشی که در این کوه نهفته است، آتش چشمان اوست و خرخر او نیز از غار شنیده می شود.» گزارش های ابودلف در سفرنامه اش، آمیخته است با توصیف هایی از هر شهر؛ همانند این موارد که: «خاک همدان با طلا آمیخته است»، «در این شهر آنهاوند، یک گاو و یک ماهی سنگی زیباست و این دو مجسمه، طلسمی است که برای برخی از بیماری های شایع ساخته شده است»، «چاه های آب قم، از خنک ترین و گوارا ترین آب های روی زمین است، چاه هایی که گاهی در تابستان از آنها برف بیرون می آید.» او به برخی از چشمه های آب معدنی ایران نیز اشاره می کند و از ارزش هر یک می گوید «چشمه ای در «طارم» است که آب چشمه در مجاورت هوای آن تبدیل به سنگ می شود و آب این چشمه برای درمان خونریزی های رحمی مفید است و سنگ چشمه نیز برای التیام زخم های کهنه پشت الاغ کارساز است.» او از شهری میان مراغه و زنجان، به نام «لران» نام می برد و می نویسد: «در این شهر، جویباری جاری است و هر که از آب جویبار بنوشد، مبتلا به سنگ کلیه نمی شود.» همچنین از ارزش های چشمه «زرواند» در نزدیکی سلماس چنین می نویسد: «از آب چشمه برای درمان نرمی استخوان و بهبود دمل و زخم

استفاده می شود. مردم بر این باورند که هرگاه انسان یا حیوان وارد این آب شود، از آسیب زخم ها مصون می ماند. در نزدیکی این چشمه، جویی با آب گوارا و خنک روان است و نوشیدن این آب، انسان را از دیفتری و گرفتگی عروق در امان می دارد و سودا و زرداب را از بین می برد و هر بیمار مبتلا به شب کوری، چشمان خود را با آن آب سرد شست و شو دهد، بینا می شود و هر که گل آن چشمه را ببوید، چشمانش از برف زدگی نابینا نمی شود.» ابودلف از آب هایی نیز یاد می کند که نزد مردم نامبارک است؛ همانند آبی در «ری» که می نویسد: «مردم از آن آب کراهت دارند و آن را به فال بد می گیرند و بدان نزدیک نمی شوند و معتقدند شمشیری که یحیی بن زید (۸) با آن کشته شده، در این آب شسته شده است.» ابودلف اشاره هایی نیز به طب عامیانه مردم ایران دارد و نمونه ای از آن چنین است که: «هردمان شهر «لران»، از حشره ای که از ابرها بر زمین می افتد، پمادی تهیه می کنند که برای درمان ریزش مو مفید است.» همچنین در مورد علوم وابسته به گیاه شناسی نیز گزارش های دارد. او از گیاهی به نام «قاقلی» در ایده یاد می کند که مردمان بومی از عصاره آن برای درمان نفرس بهره می برند. اکنون در پایان بخش دوم از سلسله مقاله های اصفهان و گردشگران فرنگی، به بخش هایی از سفرنامه ابودلف در باره اصفهان می رسمیم: «اصفهان دارای هوای صاف و سالم و خالی از حشرات است. بوی گوشت در آن شهر تغییر نمی کند. هرگاه دیگ غذا پس از یک ماه پخت و پز به همان حال باقی بماند، تغییری در آن روی نمی دهد. بدن مردگان در خاک آنجا نمی پوسد؛ در اصفهان چنانچه شخصی برای منظور خاصی زمین را حفر کند، ممکن است به قبری برخورد نماید که هزاران سال بر آن گذشته باشد. خاک اصفهان بهترین خاک روی زمین است. در اصفهان سیب مدت هفت سال، تر و تازه می ماند. در آنجا گندم - برعکس سایر نقاط - دچار شپش خوردگی نمی شود. در آن شهر آثار تاریخی زیبا، زیاد است. میان اصفهان و اهواز، پل «بندج» قرار دارد. این پل از شگفتی های قابل توجه جهان است؛ زیرا با سنگ بر روی بستر رودخانه خشک و عمیقی بنا شده است.»

روس است و استاد دانشگاه لندن بود. شهرت او برای آثارش در زمینه تاریخ، ادبیات، جغرافیا و فرهنگ فارس ها، کردها و لرهاست و نظریه ای مهم دارد در رد پان ترکیسم. مینورسکی ضمن انتقاد از روش تاریخ نگاران پان ترکیست، بیان می کند که «مسائل علمی حل نشده ای در زمینه فرهنگ اقوام شرق باستان»، بستری برای جعل تاریخی و توجیه مقاصد ایدئولوژیک پان ترکیسم فراهم ساخته است. او ادعاهای پان ترکیست ها را از اساس اشتباه دانسته و این تاریخ نگاران را دزد تمدن های شرق باستان می داند. ۵ در متن اصلی «دنیابود» است. ۶ در متن اصلی «سخرالمارد» است. ۷ در متن اصلی «بیوراسب» است. ۸ یحیی، یکی از چهار پسر زید بن علی بن حسین (ع) است. زاده ۱۰۷ ق. و شهید به سال ۱۲۵ ق.

ولادیمیر مینورسکی، نشر زوار، ۱۳۵۴، تهران - مقاله نگاهی به سفرنامه ابودلف، نوشته محبوبه حاجی زاده، پایگاه اینترنتی «انسان شناسی و فرهنگ».

۱ این ابودلف، هیچ نسبتی با «ابودلف عجلی کرجی» (درگذشته در ۲۲۵ یا ۲۲۶ ق. بغداد) که جنگاور، شاعر و موسیقی دان برجسته بود و شهر کرج (یا: کره) را به کمال رسانید، ندارد. ۲ سفر او به شرق و ایران، حدود سال های ۳۰۱ تا ۳۸۵ ق. برابر با ۹۴۲ تا ۹۹۵ م. بوده است. او از سال ۳۳۱ تا ۳۴۱ ق. به مدت ده سال، به مسافرت در شهرهای ایران پرداخته است. ۳ صاحب بن عباد، وزیر دانشمند و بزرگوار، در دوره آل بویه است. برای آگاهی از زندگانی او می توانید به صفحه ۳۴۰ تا ۳۵۳ این کتاب مراجعه کنید: رجال و مشاهیر اصفهان، نوشته: میرسیدعلی جناب، تدوین: رضوان پورعصار، نشر سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵. ۴ ولادیمیر مینورسکی (۱۸۷۷-۱۹۶۶ م) خاورشناس و ایران شناس

منابع: - اصفهان از دید سیاحان خارجی، فیروز اشراقی، نشر آتروپات، اصفهان، ۱۳۷۸ - سفرنامه ابودلف در ایران، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تعلیقات

سفری به غار نخجیر در استان مرکزی

چهلستون چال نخجیر

از غار آبی علیصدر تا غار چال نخجیر



نخجیر در سال ۱۳۸۴ خورشیدی با شماره ۱۳۸۱۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. اگر کنجاوید بدانید که اسم غار از کجا آمده، باید بگوییم این اسم به دلیل منطقه‌ای است که غار در آن واقع شده. چال نخجیر، منطقه‌ای گودی است که در گذشته شکار چیان، شکار خود را از نقاط دیگر به این منطقه رم می‌دادند تا آسان‌تر بتوانند آنها را شکار کنند. به عبارتی، چال نخجیر یعنی پایین‌تر از شکارگاه. البته این طور نیست که تا سال ۶۷ هیچ خبری از غار نباشد و ناگهان پیدا شود. تا قبل از آن هم مردم برای جمع‌آوری گیاهان دارویی و شکار به منطقه می‌رفتند و از شکاف دیواره غار صداهایی که بعداً معلوم شد مربوط به ریزش آب بوده را می‌شنیدند. اما بعد از آن وقتی شرکت آب منطقه‌ای انفجاری در نزدیکی دهانه غار ایجاد کرد، از غار چال نخجیر، به عبارتی رونمایی شد! برای رسیدن به غار نخجیر، چند مسیر مختلف وجود دارد؛ می‌توانید طوری برنامه‌ریزی کنید که اول کاشان را ببینید و بعد یک ساعت تا چال نخجیر برانید. از طرفی، می‌توانید از قم یک ساعت و نیم تا چال نخجیر رانندگی کنید و یا از اصفهان مستقیم به سمت این غار دیدنی بروید. غار چال نخجیر در سمت شرق دلیجان واقع شده و ۸ کیلومتر با این شهر فاصله دارد. در محوطه بیرونی غار، این روزها امکانات و تجهیزات رفاهی هم تدارک دیده‌اند، بنابراین نگرانی خاصی برای تامین

غاری که اتفاقی کشف شد، حالا به یکی از مقاصد گردشگری مورد علاقه غارنوردان و غار دوستان تبدیل شده و دو ساعت بیشتر با اصفهان فاصله ندارد. چال نخجیر در محدوده شهر دلیجان و در استان مرکزی واقع شده؛ جایی میانه راه نراق و منطقه چال نخجیر در دامنه کوه تخت. کاشف چاه هم سازمان آب منطقه‌ای بوده؛ اگرانی که حالا باعث شده این منطقه به مقصد گردشگری تبدیل شود و مسافران برای دیدنش بلیت تهیه کنند. می‌گویند قدمت غار به دوره سوم زمین شناسی؛ یعنی حدود ۷۰ میلیون سال پیش برمی‌گردد؛ عددی که خب برای ذهن و عمر ما کمی عجیب و غریب است! برای دیدن این غار آهکی زنده، بهترین کار این است که یک مسیر گردشگری تعریف کنید و در میانه این مسیر به غار برسید تا هم خستگی راه کمتر شود و هم در مسیر از جاذبه‌های گردشگری مختلفی که هست، بیشتر لذت ببرید. غار چال نخجیر از سه طبقه تشکیل شده، با دیوارهایی که بیشتر رسوبات آهکی دارند و یا نوردی‌های مختلف، رنگی و جذاب‌تر هم شده‌اند و البته بخشی که سنگی است. غار حالا حدود ۱۷ سال پیش کشف شده و در طول این سال‌ها بخش‌هایی از آن برای بازدید عموم، کف‌سازی، ایمن‌سازی و نورپردازی شده است. گفته شده که در انتهای غار دریاچه‌ای هست که امکان قایقرانی در آن وجود دارد، اما به طور کلی شناسایی نشده است. غار



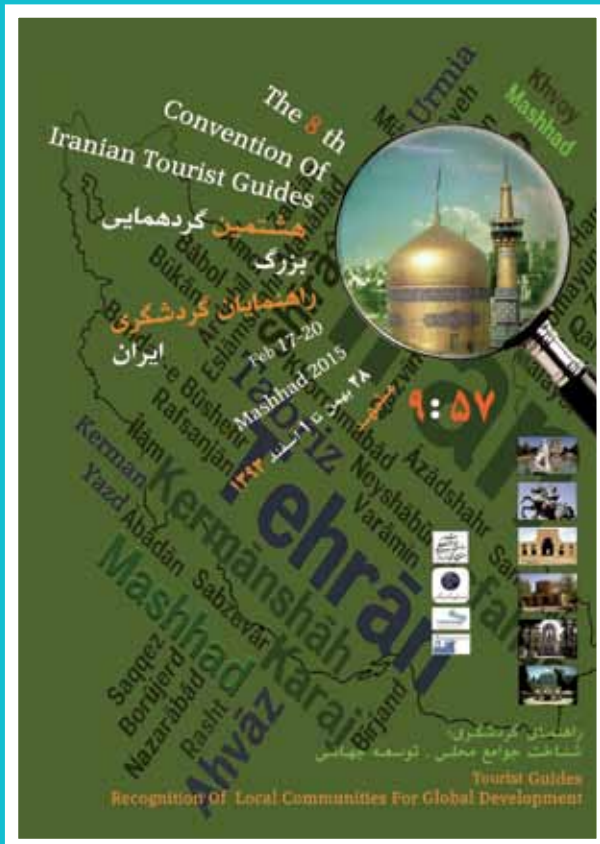
نماهایی از غار نخجیر / تکاس و چندشرفی



پله‌هایی برای بازدید گردشگران آماده شده است. در مورد گونه‌های زنده داخل غار هم باید بدانید که هیچ موجود زنده ای به جز شما در غار وجود ندارد؛ چون نوری نیست! وقتی در دل غار می‌گردید، به تابلوها دقت کنید. نام تالارهای مختلف غار روی تابلوها نوشته شده. تالارهایی با نام‌های سفره عروس، دریاچه، برزخ، باغ وحش، چهل چراغ، چهلستون و تالار زیبایی‌ها، سنگ‌های تزیینی با اشکال متنوع هم بهترین سوژه برای عکاسی بدون فلش هستند. سنگ‌هایی که نام‌های جذابی مانند عقاب، لاک پشت، گوزن، انسان و کبوتر را دارند و در کنار تندیس‌های گول پیکر بلورین ایجاد شده‌اند. این غار زنده است؛ یعنی اگر جایی در بدنه غار ترک بخورد، در طول سالیان متمادی بازسازی و ترمیم می‌شود. برای گشت و گذار در غار چال نخجیر، نگرانی خاصی وجود ندارد؛ چرا که این غار با نصب دوربین‌های مداربسته و نورها و موارد امداد و نجات به صورت غار امن تبدیل شده است. فقط شما باید حواستان را جمع کنید که به غار لطمه و آسیبی وارد نکنید. با فلاش عکس نگیرید و طوری غار چال نخجیر را ترک کنید که انگار هیچ وقت واردش نشده‌اید!

غذا و جایی برای چند ساعت تفریح یا حتی شبمانی وجود ندارد. حتی تورهای مختلف هم برای رفتن تا این منطقه وجود دارد که معمولاً آخر هفته‌ها برگزار می‌شوند. اگر غار علیصدر را دیده باشید، باید بگویم نخجیر هم تقریباً شبیه علیصدر است با دو تفاوت مهم؛ اول اینکه غار نخجیر به اصفهان، خیلی نزدیک‌تر است نسبت به غار علیصدر. دوم اینکه غار نخجیر، آبی نیست و قایق‌سواری در آن وجود ندارد. البته در گذشته آب وجود داشته و ردش را روی دیوارها می‌بینید، اما به دلیل شرایط اقلیمی، دیگر وجود ندارد و فقط دریاچه‌ای به مساحت ۴۰۰ مترمربع با عمق ۷۰ متر، در دل غار کشف شده که البته این طور که می‌گویند، مساحتش بیشتر از این حرف‌هاست. برای گردش در غار دو مسیر وجود دارد که تا ۶۰۰ متر اول، مسیر مشترک و در امتداد جنوب به شمال است و بعد از آن به دو مسیر تقسیم می‌شود. یکی از مسیرها به طرف شمال شرق و دیگری به شمال غرب امتداد دارد. طول کل هر کدام از مسیرها حدود ۱،۳۰۰ متر است و در تمام مسیر غار افقی است. غار چال نخجیر، غاری سه طبقه به‌شمار می‌آید که دو طبقه از آن با ایجاد مسیرها و

بزرگ‌ترین گردهمایی راهنمایان گردشگری جهان در مشهد



کانون انجمن‌های صنفی راهنمایان گردشگری ایران به مناسبت روز جهانی راهنمایان گردشگری (۲۱ فوریه- یک اسفند) همه‌ساله گردهمایی بزرگی در شهرهای مختلف ایران برگزار می‌کند. در سال‌های گذشته، این گردهمایی در تهران، یزد، تبریز، رامسر، خوزستان، ارومیه و کرمان برگزار شده است و امسال با توفیقات الهی و به یمن وجود مبارک هشتمین امام معصوم، امام رضا (علیه السلام)، هشتمین گردهمایی روز جهانی راهنمایان ایران ۲۸ بهمن ماه لغایت یکم اسفند به مدت چهار روز در مشهد مقدس برگزار می‌شود. از جمله اهداف این گردهمایی می‌توان به مواردی همچون توجه ویژه و معرفی بیشتر و بهتر فرهنگ و آداب زیارت حرم مطهر رضوی، توجه به مسیر جاده ولایت، مشهد پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۷، معرفی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های گردشگری استان خراسان رضوی و سایر استان‌های کشور، ایجاد فرصت برای آشنایی راهنمایان با یکدیگر و سایر دست‌اندرکاران گردشگری در کشور و ... اشاره کرد. برخی از مهم‌ترین برنامه‌های این گردهمایی شامل حضور هزار میهمان که ۷۰۰ نفر از این میهمانان راهنمایان گردشگری از سرتاسر کشور هستند، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، نمایشگاه، جشنواره سوغات، صنایع دستی و غذا و معرفی ظرفیت‌های تجاری، اقتصادی و گردشگری مشهد مقدس، حضور میهمانانی از فدراسیون جهانی راهنمایان، سازمان جهانی گردشگری، سازمان جهانی یونسکو، کنسولگری‌ها، کارگزاران تور و برخی از نمایندگان گردشگری کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی و ... است. شایان ذکر است؛ در گردهمایی امسال، هر روز با خاصی نام‌گذاری شده که عبارتند از: روز اول زیارت، روز دوم شعر، روز سوم سفر و روز چهارم همبستگی. همچنین در طراحی تور آشناسازی برای راهنمایان به جای یک مسیر، چند مسیر طراحی شده که راهنمایان می‌توانند مسیر مورد علاقه‌شان را انتخاب و در آن شرکت کنند. از طرفی، در پی فعالیت‌های محیط زیستی راهنمایان گردشگری، امسال قرار است کمپین «یک روز، یک زباله» توسط راهنمایان رونمایی شود و برای سال‌های آینده ادامه یابد. لازم به ذکر است که دعوت از همه مردم ایران برای پیوستن به کمپین comeiran یکی دیگر از اهداف مورد توجه برای گردهمایی هشتم است. هنگامی که در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۸۶، روز جهانی راهنمایان گردشگری در ایران مورد توجه قرار گرفت، شاید هیچ‌کس به این موضوع نمی‌اندیشید که ۱۰ سال بعد راهنمایان گردشگری دنیا تصمیم بگیرند به ایران سفر کنند و حالا این اتفاق رخ داده است. انسجام راهنمایان گردشگری ایران با پیوستن به انجمن‌های صنفی تشکیل شده در استان‌ها و شهرهای مختلف کشور و پیوستن ایران به فدراسیون جهانی راهنمایان گردشگری «WFTGA»، برگزاری هفت دوره بی در پی گردهمایی راهنمایان گردشگری در تهران و استان‌های مختلف، تشکیل «کانون سراسری انجمن‌های صنفی راهنمایان گردشگری کشور»، برگزاری دوره‌های آموزشی زیر نظر WFTGA، دعوت از رئیس فدراسیون جهانی برای حضور در هفتمین گردهمایی، حمایت بخش‌های خصوصی و دولتی از راهنمایان گردشگری و در نهایت حضور ایران در شانزدهمین کنوانسیون فدراسیون جهانی، منجر به میزبانی ایران برای برگزاری هفدهمین کنوانسیون در سال ۲۰۱۷، همزمان با دهمین گردهمایی راهنمایان گردشگری ایران شد. شایان ذکر است؛ به گفته عباس خرم روز، دبیر انجمن صنفی کارگری راهنمایان ایرانگردی

و جهانگردی استان اصفهان، انجمن اصفهان که اولین و قدیمی‌ترین انجمن راهنمایان کشور است، امسال نسبت به سال‌های گذشته به لحاظ استقبال و حضور راهنمایان اصفهانی در گردهمایی هشتم، حضوری چشمگیر داشته است و این موضوع نشان می‌دهد که این گردهمایی به اهداف خود رسیده است. از جمله دلایل این موفقیت و استقبال می‌توان به مواردی همچون با هم بودن و احترام قائل شدن برای روز راهنما، برگزاری موفقیت‌آمیز گردهمایی‌های قبلی، اعتماد اعضای انجمن اصفهان به هیأت مدیره خود و ایفای نقش پویا و فعال راهنمایان گردشگری استان اصفهان در برنامه‌های مختلف حوزه گردشگری اشاره کرد. تکرار موفق این گردهمایی به عنوان تنها رویداد بزرگ گردشگری در کشور که به سال هشتم رسیده است، افتخاری بزرگ در عرصه داخلی بوده که با ثبت آن به عنوان بزرگ‌ترین اجتماع راهنمایان در جهان، تندیس گرانمایه در عرصه بین‌المللی نیز به شمار می‌رود.

صنعت گردشگری نیازمند سرمایه‌گذاری و بانک اطلاعاتی است

۲۰۱۲، ۱۶ پله صعود داشته و در بخش گردشگری ورودی با چهار پله صعود به رتبه ۴۸ جهان دست یافته است. اما از بیش از یک میلیارد گردشگر در سال ۲۰۱۳، سهم ایران در آسیا و اقیانوسیه با احتساب رشد ۵ درصدی منطقه قابل قبول نبوده است. سهم گردشگران ورودی در سال ۲۰۱۳ چهار میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بوده، در حالی که در همین سال هفت میلیون گردشگر خروجی داشتیم. تلاش بر این است سال آینده این تراز مثبت شود.

بین‌المللی برای جذب گردشگری اقدام کنند. تشکیل کارگروه تسهیل و لغو روایید و بررسی و بازبینی مقررات و هم‌افزایی در حوزه گردشگری سلامت از جمله اقداماتی است که در این دولت برای توسعه گردشگری انجام شده است. این اقدامات با اتکا به ایجاد بانک اطلاعاتی قوام بیشتری خواهد یافت. براساس ارزیابی‌های مجمع جهانی اقتصاد درباره وضعیت صنعت گردشگری ایران، مشخص شد ایران در شاخص رقابت‌پذیری سفر در سال ۲۰۱۳ به نسبت

مسعود سلطانی‌فر، رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ایستا: دولت برای مثبت کردن تراز گردشگری ورودی و خروجی برنامه دارد. صنعت گردشگری به سرمایه‌گذاری نیاز دارد تا زمینه بهره‌مندی از این موهب را فراهم آوریم و همچنین نیازمند است بانک اطلاعاتی آن تکمیل شود. گردشگری از حالت محلی خارج شده و وارد عرصه سیاست شده، به طوری که امروز دولتمردان تلاش می‌کنند با دیپلماسی قوی به تشکیل شبکه‌های

۹۰۰ میلیون دلار؛ درآمد ترکیه از محل گردشگری فوتبال

تورسب (اتحادیه آژانس های مسافرتی ترکیه)، خبرگزاری میراث فرهنگی: ۵۵۰ هزار گردشگر ورزش دوست که سال گذشته به ترکیه رفتند، بیش از ۹۰۰ میلیون دلار درآمد عاید این کشور کردند. ۹۰ درصد اردوهای فوتبال که در آنتالیا برگزار می شود، متعلق به تیم های خارجی است. این رقم بیانگر سهم ۱،۵ درصدی گردشگری ورزشی در صنعت گردشگری ترکیه است که از این میان نیز بیشترین سهم از آن ورزش فوتبال و سپس گلف است. مقامات گردشگری ترکیه با این حال اعلام کرده اند که قصد دارند

که آمار جذب درآمد توریسم ورزشی این کشور از این رقم نیز فراتر برود. سالانه حدود ۱،۲۰۰ تیم فوتبال برای برگزاری اردوهای ورزشی به ترکیه سفر می کنند. ارزش مالی این فعالیت ها حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. حدود ۹۰ درصد از تیم های ورزشی که اردوهای خود را در آنتالیا برگزار می کنند، خارجی هستند. ترکیه هم اکنون در ردیف ۱۸ جدول جهانی همایش ها و مراسم ورزشی است. در مجموع ۱۴ برنامه و مراسم ورزشی طی هشت سال گذشته در ترکیه برگزار شده است. در عین

حال، بیش از ۱۶۰ هزار گردشگر نیز هر سال با هدف بهره بردن از زمین های گلف به این کشور سفر می کنند. گردشگران دوستدار ورزش در ترکیه تقریباً دو برابر گردشگران عادی در این کشور پول خرج می کنند. در حالی که گردشگران عادی خارجی حدود ۸۰۰ دلار در این کشور هزینه می کنند. این اتحادیه همچنین برآورد کرد است که میانگین پولی که گردشگران ورزشی در ترکیه خرج می کنند ۱۶۴۸ دلار در هر سفر است. ترکیه باید سهم خود را از این نوع گردشگری توسعه دهد.

گردشگری، کم هزینه ترین و زودبازده ترین سرمایه گذاری است

مرتضی رحمانی موحد، معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ایسنا: خوشبختانه کم هزینه ترین و زودبازده ترین سرمایه گذاری در اقتصاد کشور، سرمایه گذاری در امر گردشگری است. امروز از گردشگری به عنوان «اقتصاد سبز» یاد می شود که این صنعت پتانسیل سرمایه گذاری های مختلف زودبازده و کلان را در خود دارد و می تواند به توسعه همه جانبه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کمک کند. هدف دولت حمایت از فعالان بخش خصوصی گردشگری است. طرح توانمندسازی فعالان گردشگری با ۱۲ عنوان درسی برای هتلداران، اعضای خدمات سفر و راهنمایان گردشگری از ۲۸ بهمن امسال تا ۱۶ اسفند اجرایی می شود.

اقتصاد اصفهان

باید به سمت توسعه گردشگری پیش برود

حسن روحانی، رئیس جمهور در جمع اینارگران و نخبگان استان اصفهان - خبرگزاری میراث فرهنگی: اقتصاد استان اصفهان در آینده باید به سمت توسعه گردشگری پیش برود. اصفهان در حال حاضر درگیر مشکلاتی است که امیدواریم با کمک فرهیختگان، دانشمندان و استعداد بسیار بالای این استان بتوانیم این مشکلات را هر چه سریع تر برطرف کنیم. اقتصاد اصفهان در آینده باید به سمت توسعه گردشگری پیش برود و این استان گوهرهای فراوانی برای جذب گردشگران دارد. زاینده رود، رودخانه تاریخی و تمدنی ایران است و از روزهای اولیه تشکیل دولت یازدهم در جلسات شورای آب تصویب شد که باید مشکلات آب کشور به ویژه اصفهان و زاینده رود را هر چه سریع تر حل کنیم و بحمدالله امروز دولت برای حل این مشکل قدم های خوبی برداشته است و ما شاهد این هستیم که طی ماه های گذشته بعد از مدت ها آب وارد زاینده رود شد. مقامات استانی مسوول باید وظیفه خود بدانند تا مشکل آب زاینده رود را حل کنند.

باید توازن را در توسعه گردشگری محقق کنیم

ما همان طور که خود را ملزم می دانیم، سازمان های جهانی نیز می توانند ما را در حفاظت از منابع گردشگری که از آن جمله میراث بی نظیر ماست یاری کنند. امروز که با کاهش شدید بهای نفت و حجم بیکاران تحصیل کرده مواجه هستیم، باید به ظرفیت های جایگزین در اقتصاد منهای نفت بپردازیم. گردشگری برای تحقق رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال منبعی مهم است. ما در حال تدوین برنامه ششم دولت هستیم و ملاحظات گردشگری را در نظر قرار دادیم. باید به سفر در ایام محدود که خسارت های انسانی و مادی را در پی دارد حساس شویم و توازن را در توسعه گردشگری محقق کنیم. از صاحب نظران حوزه فرهنگ و رسانه می خواهیم دولت را در پیشبرد این هدف یاری کنند و از فعالان خصوصی و نهادهای عمومی و بین المللی می خواهیم خود را پایه اصلی صنعت گردشگری بدانند؛ چرا که گردشگری دولتی نیست و باید دولت تنها خود را تسهیل گر و زمینه ساز حضور فعالان این صنعت بداند.

اسحاق جهانبگیری، معاون اول رئیس جمهور، مهر: گردشگران غیرمسلمان هم در ایران اسلامی از حقوق مشروع برخوردارند. دولت در زمینه حقوق صنفی گردشگران خارجی به این مورد توجه دارد که باید حتی گردشگران غیرمسلمان در سرزمین اسلامی از حقوق مشروع برخوردار باشند. توسعه صنعت گردشگری از اولویت های راهبردی دولت است. در سطح اول استراتژی دولت توجه به گسترش و تقویت گردشگری در سطوح و زمینه های مختلف است. بر همین اساس دولت در برنامه ششم خود توجه جدی به ایجاد و تامین زیرساخت های گردشگری در زمینه های فرهنگی، حقوق، اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت. یکی از زیرساخت های مورد توجه ما که خوشبختانه با همکاری وزارت کشور به سرانجام رسید، ارتقای امنیت گردشگران است. دولت در راستای فراهم کردن زمینه های لازم برای تحقق فرهنگ مدارا و تفاهم و صلح در جهان توجه به این موضوع را به عنوان مهم ترین کارکرد، ضروری می داند.

موافقتنامه همکاری های گردشگری ایران و ترکیه اجرایی شد

موافقتنامه همکاری های گردشگری ایران و ترکیه با تأیید هیات دولت ترکیه اجرایی شد و بر اساس مصوبه هیات دولت ترکیه که در روزنامه رسمی این کشور انتشار یافت، پروسه قانونی اجرایی شدن این موافقتنامه از سوی ترکیه به پایان رسید. این موافقتنامه در جریان سفر حسن روحانی، رئیس جمهور ایران در خرداد ماه گذشته که طی آن نخستین نشست شورای عالی همکاری های راهبردی ایران و ترکیه نیز برگزار شد، به همراه ۱۰ سند دیگر همکاری بین مقامات دو کشور

به امضا رسیده بود. به موجب این موافقتنامه، ایران و ترکیه قوانین و مقررات خود را در زمینه طرح های سرمایه گذاری در صنعت گردشگری با یکدیگر مبادله خواهند کرد. همچنین ایران و ترکیه تسهیلات لازم را برای مشارکت در برگزاری جشنواره ها و نمایشگاه های صنعت گردشگری فراهم می کنند و در زمینه معرفی فعالیت های مربوط به شناسایی گردشگری جاده ابریشم همکاری های خود را توسعه می دهند. همه ساله بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار گردشگر ایرانی از ترکیه بازدید

می کنند. شمار گردشگران ترکیه ای به ایران همسوا توسعه فرهنگ خدمات گردشگری افزایش یافته و به حدود ۳۰۰ هزار نفر در سال رسیده است. با این سند همکاری، انتظار می رود زمینه جذب گردشگران بیشتری از ترکیه به ایران فراهم شود. در حال حاضر ترکیه یکی از مهم ترین کشورهای جذاب برای گردشگران خارجی است. این کشور در سال گذشته پذیرای بیش از ۳۶ میلیون گردشگر خارجی بود که درآمد ارزی آن برای ترکیه بیش از ۳۳ میلیارد دلار برآورد شده است.

حفری در غارها ممنوع!

وجود داشت، اما در حال حاضر تنها از دو چاهک می‌توان داخل شد و بقیه چاهک‌ها بسته شده‌اند. حالا اگر به شکل دستی یا به طبیعی پر شده است، اطلاع دقیقی ندارم. دو چاهکی که در حال حاضر باز هستند به چاهک‌های دیگر راه ندارند. خاک داخل چاهک‌ها هم به رنگ زرد است. آثار حفاری هم در دهانه اصلی غار دیده می‌شود. این غار چاه‌هایی با عمق ۹۰ متر دارد که این چاهک‌ها به هم ربط دارند. این غار برای غارنوردان حرفه‌ای ارزشی ندارد و ما بیشتر به روی گردشگری آن کار می‌کنیم. خود من هم چند بار به خاطر جاذبه گردشگری آن رفتم و هر کسی بدون تجهیزات لازم یا حتی چراغ هم می‌تواند وارد آن شود. خفاش و نوعی جغد شاخ‌دار که جزو گونه‌های نادر است در این غار وجود دارند. در یکی از چاهک‌ها هم آثاری از زندگی روباه و شغال دیده شده است. امسال در روز پاک سازی غارها حجم بسیاری زیادی زباله را از داخل آن خارج کردیم که عمده آن مربوط به بطری آب و نخ‌هایی بود که گردشگران هنگام ورود به غار از آن استفاده و سپس آن را همانجا رها کرده بودند.

محمد رباطی، مسوول هیات کمیته کوهنوردی شهرستان شیروان، ایسنا: برخی به اشتباه فکر می‌کنند می‌توانند در داخل غار هم گنج یا اشیای تاریخی پیدا کنند، بنابراین بیل و کلنگ برمی‌دارند و به جان این موجود زبان بسته می‌افتند و نه تنها گنجی پیدا نمی‌کنند، بلکه پدر غار را هم درمی‌آورند. غار پوستین دوز نمونه‌ای از آن غارهاست که از دست قاچاقچیان و حفاران غیرقانونی اشیای عتیقه بی‌امان نمانده است. بعد از ورود به غار، بعد از اینکه وارد چاه اول می‌شوید، غار بسیار مرطوب است و این رطوبت هم به دلیل بارندگی‌های بسیار در شهرستان شیروان است. معمولا ما تا فصل بهار برف داریم و این امر موجب می‌شود که زمین رطوبت موجود را به خودش جذب کند و این رطوبت موجب ریزش قسمتی از غار شده و امکان نفوذ در برخی از چاهک‌ها نیست. غار در دامنه غربی یکی از یال‌های قله پوستین دوز قرار گرفته، دهانه آن به شکل بیضی عمودی است و هنگامی که وارد آن می‌شویم یک دالان بزرگ به اندازه زمین ویلیال می‌بینم. در قدیم انتهای دالان، چهار چاهک

دانش آموزان به کمک تالاب‌ها بیابند



معصومه ابتکار، رییس سازمان حفاظت محیط زیست، ایپلنا: از دانش آموزان می‌خواهم که دست نوشته‌های خود را در خصوص پرسش «تالاب‌ها برای زندگی ما چه اهمیتی دارند و من برای نجات تالاب‌ها چه کارهایی می‌توانم انجام دهم» را به خانه محیط زیست ارسال کنند. مهلت ارسال آثار تا تاریخ ۳۱ فروردین ماه ۱۳۹۴ به آدرس تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان آزادی، انتهای کوچه جنتی، خانه محیط زیست است. علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۶۶۵۹۲۳۳۸ یا ۶۶۵۹۲۵۲۸ تماس بگیرند.

درآمد نیویورک از گردشگری؛ هر ثانیه ۱۹۳۴ دلار!

شهردار نیویورک، ایسنا: نیویورک در سال ۲۰۱۴ پذیرای بیش از ۵۶ میلیون گردشگر بود که در تاریخ این شهر بی‌سابقه بوده است. این شهر که در شمال شرقی ایالات متحده واقع شده، با میزبانی از ۵۶،۴ میلیون نفر گردشگر در سال ۲۰۱۴ علاوه بر ثبت رکوردی جدید در تاریخ این شهر، درآمد ۶۱،۳ میلیارد دلاری را به ارمغان آورد و ۳۵۹ هزار شغل ایجاد کرده است. بخش اعظمی از گردشگران نیویورک در سال گذشته میلادی یعنی ۴۴،۲ میلیون نفر را گردشگران داخلی تشکیل دادند که از ایالت‌های دیگر به این شهر سفر کردند. همچنین بخش عمده‌ای از میان ۱۲،۲ میلیون نفر گردشگر خارجی نیویورک گردشگرانی از انگلستان و پس از آن کشورهای کانادا، برزیل، چین و فرانسه بوده‌اند. تعداد گردشگران خارجی نیویورک در سال گذشته افزایش داشته است و در مجموع تعداد کل گردشگران نیز از سال ۲۰۰۹ با افزایش ۲۳ درصدی روبه رو بوده است. همچنین متوسط ضریب اشغال هتل‌ها در نیویورک در سال ۲۰۱۴ به ۸۹ درصد رسید، در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۳ حدود ۸۸،۵ درصد بود و متوسط هزینه هتل نیز ۲۹۵ دلار برای هر شب افزایش یافته است.

گل‌های سرخ، گردشگران را به بنای تاریخی فراموش شده برگرداندند

نفر از این اثر و یادبود جنگ جهانی اول که یک اثر هنری شگفت آور نیز هست از سراسر جهان دیدن کرده‌اند. در مجموع تعداد بازدیدکنندگان از این اثر پس از نصب گل‌های سرخ نسبت به سال ۲۰۱۳ حدود ۳۵ درصد افزایش داشته است. جالب آنکه کاخ باکینگهام که از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری لندن است سال گذشته در ردیف آخر از جدول ده‌گانه آثار دیدنی این شهر جای گرفت. تابستان گذشته، برج لندن با دریایی از شقایق قرمز احاطه شده بود. این کار هنری توسط هنرمند پل کامینز و طراح تام پیپر به یاد سربازان کشته شده در جنگ جهانی اول ایجاد شده است. این گل‌ها از سرامیک ساخته شده‌اند.

لندن پرس، خبرگزاری میراث فرهنگی: نصب بیش از دومیلیون گل سرخ، پنج میلیون گردشگر را به برج لندن کشاند و این اثر را محبوب‌ترین میراث فرهنگی لندن در سال ۲۰۱۴ کرد. طرح تزئینی که طی آن بیش از دومیلیون و ۴۰۰ گل سرخ به یادبود سربازان گمنام جنگ جهانی دربرج لندن کاشته شد، این برج را محبوب‌ترین میراث فرهنگی لندن در سال گذشته کرد. محبوبیت این برج از میزان خرید بلیت آنلاین مشخص می‌شود که در نهایت سایر آثار همیشه محبوب لندن همانند موزه مادام توسو، قلعه ویندسور و کاخ باکینگهام و لندن آی را پشت سر گذاشت. برآورد شده است که در مجموع پنج میلیون

سازمان جهانی جهانگردی برای توسعه گردشگری در ایران برنامه ویژه دارد

در ایران شوند. متأسفانه مردم دنیا اطلاعات زیادی در مورد جاذبه های گردشگری ایران ندارند و ما باید از طریق راه های مختلف این آگاهی را ایجاد کنیم. زیرساخت های گردشگری ایران طی سال های اخیر بسیار توسعه پیدا کرده و به نظر من اکنون زمان مناسبی است که گردشگران بسیاری از ایران بازدید کنند. گردشگری پیام صلح، درک و صبر را برای تمام دنیا به ارمغان می آورد و ما امیدواریم با رونق این صنعت در تمام جهان، صلح در تمام دنیا حاکم شود.

که نتایج خوبی را به همراه خواهد داشت. سازمان جهانی گردشگری می تواند به وسیله خدمات الکترونیکی از ایران حمایت کند؛ می توانیم سایت های گردشگری ایران را به وب سایت های سازمان جهانی گردشگری متصل کنیم و به صورت شفاهی در سخنرانی ها و کنفرانس های بین المللی به تبلیغ ایران بپردازیم. باید مردمی که در نزدیکی جاذبه های گردشگری زندگی می کنند نیز آموزش های لازم را فرا گیرند تا بتوانند خود زمینه ساز افزایش گردشگر

طالب ریفاعی، دبیر کل سازمان جهانی گردشگری (UNWTO)، ایرنا: عزم این سازمان برای توسعه صنعت گردشگری در ایران بسیار جدی است و برای این موضوع برنامه ای ویژه در نظر دارد. حضور من در ایران بدان معناست که سازمان جهانی گردشگری در نظر دارد صنعت گردشگری در ایران رونق بگیرد و در این مسیر حاضر است از تمام ظرفیت های خود برای معرفی ایران به مردم جهان استفاده کند. در این سفر با مسوولان بسیار صحبت کردم

رونمایی از فاز نخست پرتال جامع گردشگری ایران

ایسنا: فاز نخست پرتال جامع گردشگری ایران توسط دبیر کل سازمان جهانی جهانگردی رونمایی شد. این پرتال که روز ۲۳ بهمن ماه در حاشیه هشتمین نمایشگاه بین المللی گردشگری رونمایی شد، اطلاعات پایه ای از ۹ هزار بنگاه گردشگری شامل هتل ها و مراکز اقامتی دارای مجوز و همچنین مراکز خدمات گردشگری به همراه سه هزار جاذبه گردشگری را ارائه می کند. پروژه تکمیل سازی این پرتال سه ساله تعریف شده که فاز یک آن، در حاشیه هشتمین نمایشگاه بین المللی گردشگری رونمایی شد و به نوعی فراخوان مردمی برای تکمیل اطلاعات آن به شمار می آید. پرتال جامع گردشگری ایران به آدرس Tourismiran.ir این قابلیت را دارد که اطلاعات آن به صورت مشارکت عامه کامل شود. به گزارش ایسنا، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پیش تر نیز این پرتال را راه اندازی کرده بود، اما اطلاعات آن ناقص بود.

فهرست دیپورتی ها اصلاح می شود و مسافر برگشتی نخواهیم داشت

سلطانی فر، رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ایرنا: گروه هایی از فرانسه، ترکیه و کشورهای عربی برای ساخت هتل در ایران اعلام آمادگی کرده اند و توافق هایی هم انجام شده است. ۱۰ روز دیگر هتل بزرگی مقابل فرودگاه امام خمینی (ره) افتتاح می شود و دوسه ماه دیگر نیز هتل دیگری را افتتاح خواهیم کرد. به سرعت تلاش می کنیم با استفاده از تسهیلات بانکی، پروژه های نیمه تمام را تکمیل کنیم. اگر می خواهیم در سال ۲۰۲۵ (۱۴۰۴ خورشیدی) سند چشم انداز ۲۰ ساله تحقق یابد، طبق محاسباتمان به ویژه در بخش هتل، ۱۳۰ هتل چهار و پنج ستاره موجودمان باید به ۴۰۰ هتل برسد و ۲۷۰ هتل دیگر اضافه شود؛ یعنی هر سال باید ۲۰ تا ۲۵ هتل بسازیم و متناسب با آن سایر زیرساخت ها را تامین کنیم. در حال حاضر سرمایه گذاری از کشورهای خارجی برای ساخت هتل در ایران اعلام آمادگی کرده اند. یک گروه از فرانسه، دو گروه از ترکیه و گروه هایی از کشورهای عربی که هر کدام برای ساخت بیش از پنج هتل اعلام آمادگی کرده اند و وارد توافق هایی شده ایم. این آیین نامه به همه بخش های امنیتی و انتظامی کشور ابلاغ شده و هماهنگی های خوبی هم با وزارت اطلاعات صورت گرفته که کمترین مشکل را در رابطه با گردشگران داشته باشیم. براساس این هماهنگی ها فهرست دیپورتی ها اصلاح خواهد شد و خیلی امیدواریم ویزاها با کمترین مشکل نسبت به گذشته صادر شوند و دیگر گردشگر برگشتی نداشته باشیم.

چگونه با ارزان نمایی های سفر مقابله می شود؟

و عالی از سوی سازمان، به این انجمن واگذار کند تا نظارت اجرایی را انجام دهد و تبلیغات و بازاریابی نیز سامان دهی شود. با اینکه این پیشنهاد در مردادماه امسال به سازمان داده شده، اما تاکنون خبری نشده است. تا وقتی این وظیفه به تشکیلی تفویض نشده باشد، مسوولیت آن با دستگاه متولی است. اخیرا با اداره میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران برای ساماندهی خرده فروشان، عمده فروشان و چارتی ها جلسه ای داشتیم و یک جلسه هم با چارتی ها برگزار کردیم و حالا منتظریم این اداره قدمی پیش بگذرد تا ما نمایندگان این سه بخش را جذب کنیم و ساماندهی تورها اتفاق افتد. از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به آژانس های مسافرتی تکلیف شده که قرارداد «تیپ» را برای توره های خارجی، داخلی و دویی (به خاطر شرایط خاص سفر و ویزای این کشور) تهیه کنند و این قرارداد حتما به امضای مسافر یا نماینده او و امضا و مهر مدیرفنی آژانس برسد. قرارداد «تیپ» قبلا هم وجود داشته، اما دائما در حال تشدید است. دلیل تاکید به مسافر برای بستن این قرارداد با آژانس هم این است که تمام جزئیات و خدمات تور در آن قرارداد مشخص شود تا اگر تخطی صورت گرفت، قابل پیگیری باشد. امسال تبلیغات توره های گردشگری روند صعودی داشته، اما بازار هنوز به جریان نیفتاده است که این به گسترده گی صنعت گردشگری مربوط می شود. شاید تعداد دفاتر بیشتر از چارتی ها است. اگر پیشنهادها مطرح شده عملی شود، ساماندهی در بخش چارتی و فروش تور صورت می گیرد. این است که سازمان هواپیمایی سه سال پیش اعلام کرد که به چارتی ها اصلا مجوز نمی دهد، در حالی که اکنون شرکت های هواپیمایی یک طرفه قراردادهای تحمیلی را به آژانس ها و چارتی فروشی ها دیکته می کنند. این شرایط، چارتی ها را با یک نابسامانی و بی انضباطی مواجه کرده و لازم است سازمان هواپیمایی کشوری وارد عمل شود و اعلام کند که چارتی داریم یا نداریم؟ در واقع حذف چارتی، حذف صورت مساله بود. باید چارتی را با ضوابط و مقررات تعیین شده به دفاتر خدمات مسافرتی اعلام و به شرکت های هواپیمایی ابلاغ کنند تا این بی نظمی تمام شود.



رضا ابادری، رئیس انجمن صنفی دفاتر سفر و گردشگری استان تهران، ایسنا: آژانس های مسافرتی برای تهیه قرارداد «تیپ» توجه کنند و مسافران هنگام خرید تور قرارداد خود را با آژانس فراموش نکنند. در شیوه بازاریابی و تبلیغات اعلام نرخ های متنوع برای توره های گردشگری منعی ندارد، اما درباره تورهایی که زیر قیمت اعلام و تبلیغ می شوند ولی با نرخ بیشتر عرضه می شوند، لازم است پیشگیری هایی صورت گیرد. مثلا ما به مسافران توصیه می کنیم حتما هنگام خرید با آژانس قرارداد ببندند. ما و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری همواره و مخصوصا پیش از نوروز این اطلاع رسانی را انجام می دهیم. انجمن دفاتر سفر و گردشگری استان تهران به عنوان بزرگ ترین تشکل استانی پیشنهادی را به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری داده که نظارت و بازرسی دفاتر خدمات مسافرتی و همچنین بازبینی آیین نامه های مرتبط با این موضوع را ضمن پذیرش حق نظارت حاکمیتی

From Prince Garden to the Stone Garden!

Travelogue/ Mahdi Goli, Tour leader:

If anyone asks me to introduce a good destination for an enjoyable travel in February and March, I will definitely advise Kerman province. We, as a tour, started our travel from Isfahan and our first destination was Mahan. Have you ever heard about a pearl in a heart of a desert?! It is Mahan. City of Mahan is located in Kerman Province, east of Iran. Mahan is well known for the tomb of Shah Ne'mat Ollah-e-Vali, as well as Shazdeh Garden (Prince Garden). Tomb's famous is for twin minarets covered with turquoise tiles from the bottom up to the cupola. Shazdeh Garden is a historical Persian garden located near Mahan, consists of an entrance structure and gate at the lower end and a two-floor residential structure at the upper end. The distance between these is ornamented with water fountains that are engined by the natural incline of the land. The garden dated several years ago in 1850 and it is a proper example of the Persian garden that it is suitable for natural

climate. Then we continue our journey to Rayen just to visit Rayen historical adobe castle. The medieval mud brick city of Rayen is similar to the Arg-e Bam city which was destroyed in an earthquake in December 2003. Rayen displays all the architectural elements of a deserted citadel. It is extremely well preserved, despite numerous natural disasters that have destroyed similar structures nearby. Darvish Khan's Stone Garden was our third destination in Kerman province. The garden was an artistic protest that was created almost 4 decades ago by the late Darvish Khan Esfandiarpour upon losing his treasured garden due to new governmental policies. He was a deaf and mute gardener who showed his sadness and abstract artworks by stone garden. Kerman also has numerous attractions for us such as: Ganjali Khan Mosque, school and square, Chehelstun mosque and the grand bazaar. But the most interesting destination of our travel was Meymand. The Kavir-e Lut (Kaluts) literally Lut Desert is close to the

Afghanistan border.

The 12,000 years old village consists of a number of amazing manmade caves that they are still used, located in Lut desert. The cave dwells in lines two sides of a shallow valley. Its vegetation is sparse and the horizon interrupted here and there by scattered pistachios, pomegranates or wild almonds trees. Living condition is harsh due to the aridity of the land and to high temperature in summers and very cold winters. After Meymand, we arrived in Shahr - e - Babak and came back to Isfahan. It was a memorable journey full of amusing and cultural experiences.



Delicious Tourism Attraction; Golden Dessert with a Taste of Saffron



Food travel/ We were 2 girls working as presenters of a TV show dedicated to food, culture and travel. We have traveled to different cities in order to present cuisine to Iranian and traditional food in modern restaurant. We tried to show that Iran has very delicious and tasty traditional food and more of that, you

can try them in modern restaurant! One of our destinations was Shiraz where we ate a delicious dessert in-gold which was known as Isfahanian dessert but Shirazian people have renovated it. Don't miss Khoesht-e Mast, Yogurt Stew, an expensive and sweet dessert, made by yogurt, lamb meet, sugar and saffron.

📌 Kish; The Perfect Place for a Peaceful Vacation

Photo review/ Vahid Sharifi, cartoonist and illustrator: advised us to enjoy the calmness and happiness of the Coral cost of Kish, South island of Iran. You can read his poem and note in Persian and see the photos he took in his recent travel to Kish Island.

📌 Iran in One Thousand Year Ago

Historical travel diary/ Mahdi Tamizi/ cartoonist and Art researcher: Abo Dolaf was an Arab traveler and poet who travel to China, Malaya, India and Iran one thousand year ago. During his travel to Iran he visited many cities such as Isfahan. You can read some parts of his travel diary I have selected for Gardeshgar journal.

📌 Isfahan in Safavid era

Historical travel diary/ Pari Zangene/ Illustrator and translator of French to Persian: Jane Dieulafoy was a French archaeologist, explorer, novelist and journalist who traveled to Iran Together with her husband in order to do historical research and excavation. They found numerous artifacts and friezes, several of which were shipped back to France. This week I you can read a part of her travel diary which is related to Jolfa, Armenian quarter of Isfahan.



A Taste of a Place Is Better than No Taste at all!

Personal Experience/ Nafise Hajati, Gardeshgar Managing Editor: 25 dollars was the lowest price in its menu. I was wonder how expensive the food of the only restaurant of this Arabic airport was. By the way, there was not any other option so I ordered a dish of chicken with fried potato and was heading to the closest table in that crowded restaurant, so as the girl who was close to that special table, too. She arrived sooner but instead of seating there, smiled at me and said: “oh, sorry I will find another seat”. We simply decided to sit there and soon after that, we started an amazing conversation about travel. She was from Vietnam but was living in New York while I was from and live in Iran but we both were travelling girl so we had many words to share. She was traveled so much due to a powerful strategy; being smart about using the money and travel more. She said: “I was a full-time grad student living in London with a fierce urge to travel and no income, so I knew I had to be smart about using the money I had saved. During a long weekend, I went to Brussels for a few days and took the train to Cologne, Germany to check out the Christmas markets, and returned to Belgium and then a day later headed back to London. On another trip, a group of friends and I ventured to Morocco, where I left the group

early and flew to Andalusia, Spain to stay with a classmate and her family before returning to school. In my experimentation, I discovered that the cost of seeing these places together was substantially less than the cost of separate trips. And so it began”. I admired her but noticed that I preferred to visit a place gradually and freely, for example for me, a week in Istanbul is preferable compared to 2 days in Istanbul, 1 day in Ankara, 1 day in Izmir and 2 days in Van! She smiled again and said: “You could argue that I am taking away from the amount of time I spend in one place, and that is certainly a valid statement, but as I mentioned I am an efficient lady. If I know I’m going anywhere near Europe, Asia or Africa, or at least closer to them, and I will not have the opportunity to return for a long time, you better believe I’m going to take advantage. For me, even a taste of a place is better than no taste at all”. Imagine that you have just 30 hours option for passing through Stockholm. Definitely it is much better than 24 hours but certainly you wish you would have much more time to visit all touristic attractions of the region. In the other hand, something that we could not ignore at all, is the reality that not everyone has the ability to slow travel or go away for an extended period of time, so we make do with what we have.

فراخوان ارسال عکس برای صفحه تاریخ سفر

تصور کنید پدربزرگتان، مادربزرگ، پدر، مادر یا اقوامتان، ۵۰ سال پیش، سفری رفته‌اند به پاریس، لندن یا حتی همین شمال و جنوب ایران و عکس‌هایی در خلال سفرشان گرفته‌اند. از شماره آینده، صفحه «تاریخ سفر» میزبان عکس‌های شما از سفرهایی است که تاریخشان به بیشتر از ۳۰ سال پیش برمی‌گردد. ابتدای هر ماه، به کسانی که قدیمی‌ترین و جذاب‌ترین عکس‌های صفحه «سفر تاریخ» را فرستاده‌اند، جوایزی اهدا خواهد شد.

فراخوان همکاری با گردشگر

«گردشگر» همواره در صدد جذب مشارکت حداکثری علاقه‌مندان و فعالان حوزه گردشگری بوده و هم‌اکنون نیز یکی از افتخارات این مجموعه، استقبال گسترده دوستداران حوزه گردشگری از این نشریه است. لطفاً اگر مایل به همکاری با نشریه گردشگر هستید، زمینه مورد علاقه و توانایی‌هایتان را در ایمیلی به اطلاع ما برسانید. در ایمیلی که جهت همکاری برای نشریه گردشگر می‌فرستید، لطفاً این موارد را ذکر کنید: مشخصات (نام و نام خانوادگی، تحصیلات و تسلط بر زبان‌های خارجی)، زمینه‌های مورد علاقه برای همکاری (ارایه مطلب، ترجمه، ارایه عکس، کاریکاتور و تصویرسازی، بازاریابی و جذب آگهی، فعالیت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، امکان مشارکت در برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها، تمایل به همکاری در توزیع کشوری مجله)

ارتباط با گردشگر

لطفاً در ایمیل‌های ارسالی حتماً نام و نام خانوادگی و شماره تماس‌تان را ذکر کنید تا بتوانیم شما را از دریافت ایمیل و مراحل انتشار اثر باخبر کنیم.



GardeshGar.isf@gmail.com